

In the name of Allah, the beneficent the merciful

فلسفه مدیریت قواعد دانش مفید (رساله چهارم) یا " مصلحت ناب "

Philosophy of UKRM (useful knowledge rules management), or” pure expedient
“(fourth treatise)

واقعیت مبتنی بر حق و حقیقت ، نه واقعیت فاقد حق و حقیقت و نه اکتفا به نصیحت و صدور
و بیان احکام بدون مصداق (مثلث صدق)

Reality based on right and truth, not any real without right and truth and not Sure
to advice and expression of commandments without facts (triangle truth).

علم موضوعی مجرد و بذات سودمند است و از هویت ، ماهیت و ساختاری متشکل از قواعد، خواص و روابط و فرضیاتی است که استقلال ذاتی دارند نظیر علم ریاضی ، علم رایانه ، نظریه عمومی سیستم ها، شیمی آلی ، روح و نظیر اینها در لیست مجردات ، لیکن هنگامی که علم مورد مصرف در میدان کاربرد خاصی قرار میگیرد ، نام دانش و فناوری را بخود اختصاص میدهد و شرکت های دانش بنیان ؛ تازه آغاز گران در حیطه ابداع و دانشمندان رشته های تخصصی با استفاده از فرضیه های مسلم علمی ، برابر فرایندهای نظام یافته ، به تحقیق و تفحص برای تحقق فرضیه مربوطه و ظهور و اعیانی نمودن خواص سودمند علم مبادرت میکنند و انسان محقق بر حسب نیت خویش در این ساختار جبری ، محصولی را ابداع کند که خاصیت خدمت یا محصول مفید و یا غیر مفید دارد ، بنابراین منبذ ما از دانش مفید و یا دانش غیر مفید و قواعد آن یاد کرده و آنرا مجموعه ای یقینی و مسلم میدانیم که دانش مدیریت را اصالت میبخشد، در غیر این صورت دانش مدیریت قادر به پیشگیری های قاطع در مبداء جرم و گناه نخواهد بود.

Science is single beneficial in nature and composed from identity, characteristics and structure of rules, particulars, relations and theories those it has intrinsic independence like math, computer science, general theory of systems, spirit and so on in singles list, but when used science settles in a special application area that named the name of the science and technology and knowledge based company, startups in innovation area and scientist in specialty disciplines researches by using of certain scientific hypothesis and equal to systematized processes to fulfill the relevant hypothesis and the emergence and viability of the beneficial properties of science and the human scientist according to his intentions invents a product that the service or product is useful or not useful, therefore , come on later useful service and product or not useful and its rules and we know this as a reliable collection that get authenticity management knowledge, otherwise the management knowledge cannot prevention crime and sine in the beginning.

نویسنده و تحلیل گر: محمود صانعی پور : خبره میان رشته ای و یادگیرنده مادام العمر

Author and analyzer: mahmoud saneipour: interdisciplinary expert and longlife learning (LLL), learned man



Mahmoud saneipour

Date: 22/4/1398, 13/July/2019

مراجعه شود به شعرزندانان زمان در انتهای این مقدمه:

Refer to the poem of prisoner of time end this introduction

مقدمه فلسفه مدیریت قواعد دانش مفید :

Introduction to Philosophy of UKRM:

آنچه ما از تاریخ فلسفه در تعریف و سودمندی دانش مفید دریافت کردیم ، ملخص آن بشرح ذیل وتفصیل آن در متن تفصیلی این رساله از این مولف آمده است:

What we have gained from the history of philosophy in defining the usefulness of knowledge, are as follows and its detail comes in text of this treatise from this author:

ما مفیدیت را در حیطه دانش وفناوری جستجو میکنیم و سودمندی وناسودمندی احکام را به ذوات علمی معطوف نمیکنیم ،حتی احکام شرعی که مستلزم داشتن ثلاث صدق است مشمول همین قاعده است وقواعد ابداع از این قانون پیروی میکند .

We search for usefulness in the field of knowledge and technology and we do not focus on the usefulness and neutrality of the sentences in scientific terms, even religious rules that require a third of truth, is subject to the same rule and follows the innovation rules from this law.

ذات در مقابل عرض است وتحقق وبروز ذوات علمی ویا همان ماهیت علمی که مولد فرضیه است ، به عهده دانش وفناوری است ، ذات به ماهیت شیئی اطلاق میشود، یعنی آنچه چیستی

وهستی شیئی که علم بدان پرداخته و اصولاً برای آن مفروض شده و نام علم را منحصر بخود کرده است و آنرا مناط حیز انتفاع (جای استفاده یا محل بهره برداری) دانسته است، باید در محصول نهائی تحقق یابد و این یکی از مصادیق حقیقت است که تحقق حقوق عامه به این حقیقت وابسته است.

✚ Essence is in front of the form (formalism) and realizing and reaching Science, it is responsible for knowledge and technology, essence refers to the nature of the object, that is, what is the object and the object that science does and basically, it is assumed and the name of science is exclusive to itself and it is considered to be a high-risk region, must be realized in the final product and this is one of the examples of the truth that the realization of public rights depends on this fact.

✚ به عبارت دیگر، حق بمعنی تامین خصوصیات است برای انسان و حیوان و تمام ذوی الحیات و طبیعت که در علم اطلاق می شود (یعنی سودمندی برای عامه) که اگر این مفروضات از دست بروند، دیگر آن شیئی ضروری نخواهد بود (چیز دیگری است که مصداق مدعی آن نبوده است، تصادفی هم نیست) و منظور از ذات در اینجا، حقیقت شیئی است که این خصوصیات قابلیت استاندارد را تحقق می بخشد، در غیر این صورت حقیقت که تحقق حق ذی حق و حقوق دارندگان حق است، بمنصه ظهور نرسیده و دنیا پرستی و پول درآوردن از هر راه ممکن برای محقق و مخترع، مناط عمل قرار میگیرد.

✚ in the other words, the right is to provide human qualities, animals and all everything is all about living and nature which is in science (is useful for the public) that if these assumptions are lost, that object will not be necessary else (there is something else that has not been the case, no accident) and the meaning of essence here is the truth of the object that this feature fulfills the standard capability, otherwise, the fact that the realization of the right is the right of the right holders of the right holders, it hasn't come to fruition and world of worship and earning of money from every possible way for the researcher and the user, there are areas of action.

✚ حق حیات طیبیه یا سلامت جسم و روح برای فرد و جامعه امری ضروری و الزامی است و این فرض بدیهی نباید معلق و معطل شود به مسائل فلسفی و اثبات آن با فرضیه های اقتصادی و یا ملاحظات سیاسی و سایر چند و چون های انتزاع ذهنی و زیاده خواهی بعضی افراد حقیقی و حقوقی، حق حیات مثل حقوق معیشتی، نسبتی مساوی برای همه دارد، این ستون نگهدارنده کشور است.

✚ The right to good life or health body and spirit are essential and obligatory for individual and society and this obvious assumption should not be suspended or ruled out in the other ways like Philosophical issues and

economic hypothesis or politic considerations and other many some people's mental and abstract abstraction (private or governmental), the right to life, such as livelihoods, an equal proportion for everyone, this is the pillar of the country.

✚ ممکنات در فلسفه رئالیسم (که مبتنی بر تحقق حق به واقع است) مشمول کلیه موجودات عالم میشود، منتهی آن ممکنات ذاتی و ضروری (واجب) که استعدادهای مطرح شده در علم را در دانش بشری بالفعل میکند، هرگونه موجودیت های غیر واجب که تولید آنها نیز ممکن است، بر اساس قواعد و احکام مربوطه، صلاحیت ظهور و بروز نخواهد داشت، اگر چه در سخن و یا تبلیغات برای ثروت مند شدن عده ای خاص، مولد کنز ثروت باشد (این دستورالعملی است برای راست آزمائی و استاندارد رسانه ها)، یعنی وجوب مجوز امکان است و عدم وجوب دلیل امتناع آن و این مجوز مبدائی و مبنائی، اساس تولید و یا اساس استاندارد و بالطبع اساس قانون گذاری است، این مرحله از تحقیق و تفحص، بمعنی صدق نظری است که ساختار عملیاتی آن که از آراء نظام یافته خبرگان میان رشته ای وضع میشود (رشته های جدید در مراکز علمی)، از طریق تقنین قوانین و از هیچ ساختار ضروری و واجب الوجود، قابل تفکیک نخواهند بود و نمی توان این مرحله را به اذهان عمومی و سلايق سیاسی و یا فرضیه های باطل اقتصادی واگذار نمود.

✚ Possibilities in realism (which is based on the realization of the right to be real) includes all beings of the universe, ending of those essence possible and its essential (condignly) that will activated the talents presented mentioned in sciences in the human knowledge, have any non-essential those it be possible its production, competence will not be forthcoming in based on related rules and commitments, though in speech or advertising to be Generator of wealthy for people (this is a guide for the right test and media standardization), it is a requirement, a license, and no need for reasons of refusal them and this is the originator's license, the basis of production or the basis of the standard and, consequently, the legislative basis, this stage of research is it means the truth is that its operational structure is laid down the systematized system from interdisciplinary experts (the new disciplines in universities), through the legislation of laws and no essential and necessary structure Cannot be differentiated and This stage cannot be made public and Political tastes and or assign to the falsehood's economic hypothesis.

✚ اینها مفاهیم اولیه و بدیهیات ذهنی بحساب می آیند و اقوام اولیه هم این مسائل فطری و وجدانی را درک میکردند و این چنین باهم حُسن سلوک داشتند، در این مفاهیم که مبتنی بر حقیقت ثابت و برهان فطری است، هر مفهوم حیات بخش بحسب ذاتش یا مقتضی وجودش آشکار میگردد

خبرگان با مشی میان رشته ای می توانند درک درستی از این مفاهیم در قلمرو ذهن داشته باشند(افتاب آمد – دلیل آفتاب) مردم این کیفیات ممکن را در بازار و در سفره و عدالت اجتماعی مشاهده میکنند و با براهین فلسفی واحکام شرعی وسایر صغرا و کبرا ها کاری ندارند،چنین ممکنات ومقتضیاتی را واجب میدانند که عقل سالم اجتماعی ماهیت کلی آنرا مبرهن میسازد وراضی به این مقتضیات منصفانه هستند ، جزء طمعکاران وزور گویان که باید از چنین جامعه سالمی طرد شوند ،نه فقط از طریق دستگاه قضاء بلکه از مبداء وقوع خلاف ، این مقتضیات عقلی وفطری بطور سیستماتیک تبلور عینی و یقینی پیدا کرده وجلوی طمّاعی واجحاف این خیانتکاران به دولت وملت را بگیرد و از اینرو این فعالیت واجب در راس امور است ، در غیر این صورت توسعه ای صورت نگرفته ونیاز اساسی مردم ارضاء نشده وسرمایه اجتماعی تشکیل نشده است واین احتیاج بطور طبیعی وفرایندی ، جریانی را بوجود میآورد که بیش از هزینه های محتمل برای ایجاد این سیستم واجب ، هزینه های هنگفتی را به صور وانحای مختلف ولی باطل ، جای این مشی حقیقی را میگیرد وهمان امکان فقری است که گونار میردال گفت " جامعه ای فقیر است ، برای اینکه فقیر است ".

✚ These are basic concepts and mental arithmetic and primitive people also understood these innate questions and they had such a good conduct, in this concepts those are based on constant true and natural demonstration, Every vital concept is manifested in terms of its essence or its necessity, experts can by managerial interdisciplinary have an understanding of these concepts in the realm of mind(sun came , it is reason of sun), people can see these qualities in market, in the table and in social justice and with no philosophical and other matters proofs and satisfied with these requirements are fair, the greedy part of those who need to be rejected from such a healthy society, not just through the judiciary system, but from the source of the crime , these are the rational and necessary requirements have Finded certain optical crystallization systemically and therefore, this obligatory activity is at the forefront, otherwise, there is no development and the basic needs of people are not satisfied and not formed social capital and this is a natural and functional need so, it creates a stream that it has more expenditure than a necessity system.

✚ این مورد که با علّیت تراکمی قاعدهمند میشود ، موجود خارجی انسان و حیات اجتماعی از یک سوی به نیاز اصلی خود بطور علی السویه و از سوئی دیگر به رفع آن برای رسیدن به غنا بطور علی السویه توجه دارد ، این دو در عین حال که انفصال حقیقی دارند ، ترگّب زمانی ومکانی ومیل به ازدواج دارند ودر سیستم های اجتماعی لازم وملزوم یکدیگرند واین قضیه برابر قواعدی

که در دانش مفید ذکر شده و در 300 مقاله این مولف آمده است، تقسیم عینی ندارند و کاخ و کوخ را بر نمی تابند و یا سایر نشانه های اجتماعی که حاکی از ظلم و یا عدالت است .

✚ This case be ruled by accumulative coasity ...

✚ صدق را سه مصدر مقوم و استوار، بنام مثلث صدق "صدق نظری، صدق عملی ، صدق ایفای حقوق " از قواعد دانش مفید است هم لازم است و هم متعددی ، محمول پذیر است ، یعنی شرایطی را توصیف می کند که هر امکان ضروری را از نظر ماهیت و بن مایه های محتوا ارضا میکند، در این محمول پذیری ، بین علت و معلول باید دلایلی یافت که در هر علت تراکمی که همان صدقی را که در فرضیه تائید میشود در ماحصل تحقیق آشکار شود ، مراتب و فرایندهای عملیات و آزمون ها در سکوی تجربی باید شاخص سازی و به استاندارد معنوی و فیزیکی تبدیل شود، صدق دوم محصول دانش بنیان و از بطن این فرایند بدست می آید که علاوه بر احراز قوام نظری ، از نظر مفیدیت و بر اساس امکان ضروری و ارضاء کننده در عمل ، دارای منافع عام باشد ، این موضوع ضروری به شرط مفیدیت و سلبیت وجود ضرر انجام میشود که قانون و مقررات با تحلیل فنی و رعایت جزئیات ، این قوام بخشی را به عنوان صدق دوم (مصداق عینی) وضع میکند در این مورد هم بین دستگاه قضاء ، نظام آموزشی ، تحقیقاتی ، اجرائی و مدیریتی ، تفکیکی جایز نیست ، وقتی این محصول عینی که هر مجردی به ترکیب و به قانون ازدواج میل داشته ، بدون آنکه در این مراحل از قوه به فعل تبدیل شده و قابلیت پذیرش کمالی را برای حیات جامعه تدارک نموده باشد ، باید به قسم سوم صدق که از این استراتژی پیروی میکند ، در راستای حقوق متقابل صدق خود را محسوس و رضایت عموم را تحصیل نماید که همان حق الناس و حق الیقین است ، خداوند متعال چنین مشی را دوست میدارد ، حضرت امام سجاد (ع) که واضع حقوق متقابل است بعد از تلاوت سوره "انا انزلناه فی لیلہ القدر" می فرمود: صدق الله عز وجل أنزل الله القرآن فی لیلۃ القدر" (اصول کافی، ج1، 248)، و از این نظر، این مولف ، کل قرآن مبین را صادق سه گانه میداند و بزرگترین دلیل برای فهم علت العلل و علت غائی و غایت الغایات و نهایتا، اثبات وجود خداوند متعال است ، اسلام ، قرآن و در راس آن خداوند متعال این چنین فهم و اثبات فطری ، ملاک قلبی و وجدانی ملل میشود .

✚ Truth has three tight and firm infinitives, it is named true triangle” theoretical truth, practical truth, right truth” from useful knowledge , indispensable and transgressor too, Probable, it describes the conditions that are satisfies every possible necessity in terms of nature” first truth”, in this prediction-ability there must be reasons between cause and effect that in each causality, the congestion is the same as the one confirmed in the hypothesis at the product will be realized, should be indexed all process and testing in practical platforms and then changing to indexing , physical and spirit standards , this means “ second truth or objective truth”....., next must do to third truth in line with mutual rights, their true sense and obtains

the satisfaction of the public that the same is the right of people and the certain right

دانش مفید مدیریت چیست؟ در مقاله 297 به چرایی و ضرورت مدیریت قواعد دانش مفید (UKRM) در همین مورد پرداختم که تفصیل بیشتر آن در این رساله خواهد آمد، خلاصه ای این موضوع اینست که در شرایط بحرانی امروز جهان، این مدیر است که با خبرگی در دانش مفید، حافظ منافع و حقوق مردم در تعاملات اجتماعی است، بشرط اینکه مدیران پیشگام در عرصه مدیریت دانش مفید، نقش موثری در جهانی شدن فرهنگ عدالت توزیعی را در جهان ایفاء نمایند، برای اینکه آنچه از دانش مدیریت امروز نصیب ما شده است بعضاً سلبی بوده و باقی مانده آن برای مدیریت دانش مفید لازم و کافی نمی باشد، مدیریت مبتنی بر دانش مفید، بر اساس قواعدی که حقایق، حق طلبی و یقینیت مدل ها و شیوه های مدیریت مفید را برای همگان میسر می سازد، کارساز خواهد بود، خواننده محترم با مراجعه به مقاله 297 در سایت این مولف، از این نظریه مطلع خواهد (این مقاله در انتهای این مقدمه ضمیمه است).

Management based on UKRM.....

مدیریت باید مبتنی بر سیستم های باشد که هویت و ماهیت خود را از قواعد دانش مفید اخذ میکند، این مدیریت بطور طبیعی و بدیهی بر مبنای مدیریت قواعد دانش مفید خواهد بود، این مدیریت فعال اجتماعی است که فرضیه های مقوم علمی را از قوه به فعل تبدیل کرده و موضوع دانش مفید از لقلقه زبان (حبس تاریخی آن) نجات میدهد، این نهضت علمی الگویی را مبرهن میکند که از مبداء تا مقصد سودمندی را دایر مدار مدیریت خود قرار داده و دیوار تفکیک قوا و یا هر دیوار سیاسی، رانت خواری، غارت گری، تقلب و زیاده خواهی، را مانع فعال سازی این قوه و استعداد نمیداند (شکست دیوارهای مانع)، به عبارتی دیگر قوه پدافندی کشور که دل دشمن را به هراس انداخته است، در نظام عمومی سیویل که نظام نامه بزرگ مهندسی شالوده ها، ساختارها و قوت ها و ظرفیت های کل نظام است از کل تا جزء به شاخص ها و ملاک های مهندسی تبدیل کرده، استاندارد های معنوی و فیزیکی آنها را مدون ساخته و فرهنگی بر اساس سرمایه اجتماعی رخ بناباند، تفکیک قوا و یا تفکیک دیوار کشی در این مراتب و زنجیره یک پارچه آفندی بوده و در غیر اینصورت، یک تقلید از غرب تلقی میشود.

Management based on systems.....

آنچه فوقاً گفته شد و در مقالات و رساله ها این مولف بیان گردیده است، بزرگترین و مهم ترین زیر ساخت توسعه پایدار یک کشور است که به سیستم های اجتماعی تبدیل و با ابزار های قانونی، بیمه ای، مدیریتی و غیره تقویم و استوار میشود، هیچ قدرتی از داخل و یا خارج یارای شکستن این برج و باروی مقوم ملی را ندارد، این نیروی آفندی برای زودن موانع داخلی و خارجی و ایجاد استحکامات غیر قابل نفوذ واجب عینی است، در بستر چنین قوت و استعدادی میتوان به توسعه آموزش های لازم، توسعه صنعتی، سیاسی و غیره مبادرت کرد، مواد اساسی دانش نامه دانش مفید، در دانشگاه های معتبر تدریس خواهد شد، از نظر من تعدیل جهانی باید اجباری باشد، لجستیک عدالت جهانی باید با اعمال قسری باشد در غیر این صورت موضوع حکومت عدل واحد

جهانی و یا وعده حکومت مستضعفین در دنیا ، موضوعیت پیدا نمیکند ، ما باید زمینه ساز وعده های بحق خداوند متعال باشیم.

✚ What was said above and I have mentioned in many articles and treatises, the biggest and most important infrastructure is the sustainable development of a country that be changed to social systems and legal tools , insurance and managerial knowledge, there is no power inside or outside of breaking this tower, this offensive force is an obligatory objective to delay domestic and foreign barriers and create inert impenetrable fortifications, in the context of such strengths and abilities can be to developing of necessity training, industrial development , political and other , essential knowledge encyclopedia will teach in valid universities in the world, in my opinion, global modifications should be mandatory, the logic of global justice must be coercively, otherwise, the issue of the rule of the Universal Joy of Justice and or the promise of a universal unit government for inferior people in the world ,it does not matter, we must make areas for promises of Allah in the world.

✚ مسئله مهم این است که فعالیت های اساسی هر جامعه بر اساس قواعد دانش مفید باهم مرتبط هستند و با تفکیک صوری و یا فرضیه های باطل ، قابل تفکیک نیستند ، اگر این ارتباط اجتماعی بصورت سیستماتیک عمل کند ، پدیده های نوظهور اجتماعی در جریان توسعه هدف دار و برنامه ریزی شده ، آشکار شده و منافع عمومی را افزایش میدهد وگرنه مولد فعالیت ها ، هنجارها و پدیده های جدیدی است که برای جامعه ناشناخته ، گمراه کننده و خاصیت قهقرائی دارد ، این موضوع از طریق هوش اجتماعی مبتنی بر قواعد دانش مفید قابل تشخیص است ، مثال ساده برای کسی است که وقتی یک جهش تند دارد ، بعلت پوکی استخوان هایش ترک خورده و به زمین میغلطد ، او نمیداند این پوکی استخوان است که انتظار چنین جهش ناگهانی را ندارد ، ساختمان های باستانی و کاخ های رفیع از داخل توسط موربانه ها پوک شده و فرومیریزند ، هوش های مصنوعی قادر به درک جهش های مخرب و این موربانه پنهان اجتماعی نیستند، غرب از نظر این مولف دچار چنین بله ای شده است .

✚ It is important issue that essential activities are linked together related on useful knowledge rules and are not separable by formal separation or falsehood hypothesis , if this social relation works systematically, will open the new phenomenas in social current about objected and programmed development and increases public interest and otherwise, will create many activities ,new norms and phenomenas those are for the unknown, it is misleading and has a deterrent, this topic is through social intelligence is recognizable based on UKRM, for example.....

هر استقلالی به صرف تقلید یا قوانین اعتباری و یا احکام بی مصداق ، مفهوم ذاتی استقلال را ایفاد نمی‌کند ، اگر چه مبادرت به تدوین سند تحول کرده و یا بدون توجه به مبداء و مقصد موضوعات ، سیستم گذاری کند ، فایده ای ندارد (آفتاب آمد ، دلیل آفتاب) ، حقوق عامه مردم قابل بخشش نیست ، خلاء بین عناصر و عوامل ذاتی یک زنجیره ، جایز نیست ، مثل اینکه بگوئیم " اقتصاد بدون نفت " که یک مخالف لفظی است نه مخالفت ذاتی " ، باید بگوئیم نفت و سایر منابع این کشور را نباید خام فروخت و این ذوات اشیاء ذی قیمت باید به ارزش افزوده حقیقی تبدیل شود به همان سرمایه اجتماعی که قبلاً بیان شد ، نه ارزش نیافزوده ، به صرف مالیات ، یعنی تشخیص راه است و چاه برای صاحب بصیرت ، بر اساس حکمتی که فهم میکند ، این مولف تفکیک قوای منتسکیوی را مورد کالبد شکافی قرار داد ، آنچه دلایل و مقتضای تفکیک قوا در زمان منتسکیو و دلایل وی بوده است ، امروز نه مقتضی است و نه دلایل متقن ، که در این رساله آمده است .

✚ Every autonomy is spent on imitation or credit laws or arbitrary sentences, does not imply the intrinsic meaning of independence.....

✚ ما با جریانات ، زنجیره های یک پارچه ، اینترنت جهان شمول ، دیجیتال گسترده و بسیاری قوت ها و ظرفیت های ملی و بین المللی مواجه هستیم که ذاتاً ، تفکیکی بین آنها نیست ، غارت گر بیت المال در این تفکیک ، بیشترین سوداگری و کسب منافع دارد ، برای چپاول گر این دیوارکشی وجود ندارد ، رانت خواری ، تبانی و بده و بستان بی مانع است ، برای او مرز قرمزی متصور نیست ، در نقطه آغازین به مراد و مقصودش رسیده است ، بقیه باید تلاش کنند با مستندات ساخته شده و روابط مستحکم شده و سایر قوایی که از این غارت بیت المال بدست آورده است ، کاخ وی را سرنگون کنند ، اگر در این مساعی بگیر و ببند ، تقسیم غنائمی از جیب حاتم طایی ، بذل و بخشش میشود که توجیه گر همان مدیریت رها شده و یا سلیقه ای است ، ما باید قبل از پرداختن به ساختار صُلب ، به موضوع ، محمول و دلالت ها و روابط آن بپردازیم و اگر ساختار مانع وجود دارد ، ساختار شکنی کنیم و شالوده جدیدی بنا نمائیم .

✚ We are facing with many circulations, seamlesslive chains ,global internet, extensive digital and many powers , national and international capacities those it naturally, there is no separation between them that make most profits and benefits, there is no wall for the robber, rendering, collusion, and giving away is an obstacle, there is no redness line for him/her,

✚ بنابراین ساختارهای مبتنی بر دیوار کشی بین عنصر لازم و ملزوم یک زنجیره عدالت گستر و حقوق ملت ، خود یک ظلم آغازین و مجوزی آشکار برای تجاوزات آشکار و پنهان است ، در نظر قطعی ما در امور اجتماعی ، امور از صفر تا صد در حکم یک زنجیره مقوم قانونی ، اجرائی ، نظارت و کنترل و ارزیابی های تطبیقی با نظام ها و سیستم های از پیش تعیین میشود و لا غیر و دایره این تفکر سیستمی و دکترینال اسلامی آن بقدری گسترده و فراگیر است ، که کسی را یارای خیانت نیست و کودکان امروز ما با آموزه های استعلائی آن رشد و نمو کرده و مشاغل خود را از دوران کودکی و نونهالی در پازل های آینده کشور نشانه میگیرند و مصائب فعلی بر طرف میشود .

✚ So wall-based structures between the necessary element of the chain of justice and the rights of the nation, It is a prelude to oppression and a clear manifestation of apparent and obscene aggression, affairs from zero to one hundred in the chain of a legal chain, operational , supervision and control and comparative evaluation is predefined with systems and no one else, and circle this system thinking and its Islamic Doctrine is as wide-ranging as it is, do not betray by anyone and today's children grow up with their transcendental teaching and will get signs their Jobs from childhood in future country's puzzles and the current passions will be resolved.

✚ کسانی که به دنبال زیاده خواهی هستند ، از نوع آزادی هائی دفاع میکنند که موانع برای انباشت ثروت آنها برداشته شود ، احکام بی مصداق باشند (ثلاث صدق ، بخصوص تصدیق حق که در رساله امام سجاد(ع) که 50 مورد است که با تجزیه و تحلیل به صدها قوا عد مفید تبدیل شده و در سه جدول بزرگ تکوین ، تشریح و ابداع تنظیم شده است) ، رها شدگی برای آن زارع زحمت کش ویا کاسب مُنصِف خطری ندارد ، ولی برای زیاده خواه ، بشارت بزرگی است ، حکومتی که از چالش واهمه دارد ، باید از طریق تضاد شناسی ، چالش های زیادی را تجربه میکند.

✚ Those who are looking for too much, defend liberties that Barriers to the accumulation of their wealth are removed ...

✚ اینکه باور داریم " کلکم راعٍ وَ کلکم مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ " که پیامبر اکرم(ص) فرمود ، نه برای تابلو و نقاشی ، نه فقط برای اهل خانه ، برای کل جامعه از صدر تا ذیل ، یعنی همه مردم با شرایطی که قواعد دانش مفید تعیین میکند ، پلیس یکدیگرگرد ، مواظب یکدیگرگرد ، امر به معروف وناهی از منکرند ، نباید زیاده خواه را مامور اینکار کرد ، باید این امر مهم با سیستم های اجتماعی از مبداء وقوع اخطار بدهد و گزارش آن در معرض تجزیه و تحلیل قرارگیرد وگر نه مثل هزاران توصیه انسان ساز گم میشود و مردم هم کاری باین کارها ندارند.

✚ That we belief so, "you are all responsible into people ".....

✚ انتصاب قضات و انتخاب وکلای دادگستری باید با شاخص های اصیل و استاندارد های سخت انجام شود ، ما این شاخص ها را در سیستم یک پارچه و زنجیره ای از مبداء وقوع جرم تا حکم نهائی بر شمردیم و آلگوریتم آنرا رسم کردیم ، موضوع قابل تامل زمان و مکان وقوع جرم است که امروزه برابر مشی کهنه تفکیک قوا، خارج از حیطه وقوه قاهره دستگاه قضائی است ، در تشخیص جرم و تکمیل مستندات حقیقی بسیار مهم هستند، بدیهی است که منتسکیو در زمان سلطنت لویی چهاردهم (1643-1715) ، مقتضیاتی را مناط طرح تفکیک قوا قرار داده که آن مقتضیات امروز وجود ندارد و به اعتباراتی استناد کرده که اعتبارات وحتی بدیهیات دیگری با ارزش های دیگر امروز مدنظر است ، حقوق سیاسی زمان وی با حقوق سیاسی زمان حاضر تفاوت های زیادی کرده است و سیستم های یک پارچه ای قابلیت کنترل و نظارت وپیشگیری دارند که در آن زمان نبوده است ،تفصیل این نقد اصولی در این رساله آمده است.

✚ Appointment of judges and selection of lawyers it must be done with essential indexes and proof standards, we counted these indices are integrated into the chain system from the source of the crime to the final commandment and we plotted this algorithm, the considerable subject is time and place of crime that today is equal to the old-fashioned separation of powers, is outside the jurisdiction of the judiciary, it is very important to recognize the crime and complete the true documentation and obviously Montesquieu was in the reign of Louis XIV(1643-1715), has got based on reasons for Separating of powers that those requirements are not there today and he has cited to many credits that credits even other valuable axioms are today, his political rights on that time was different with current political rights and

✚ از نظر این مولف، روح القوانین (بدون توجه به کالبد اجتماعی)، هرگز بردگی را از بین نبرد، بلکه بردگی سیاسی را با این تفکیک ایجاد کرد، قاضی خود کامه و روابط وی با سایر قضات همکار، یک حکومت جدید سیاسی بر علیه مظلوم (نانوشته) تشکیل میدهد، انحصار ایجاد میکند، اصولاً در کل، باید جرم را مثل ریشه فاسد یک شجره فاسده در مبداء سوزانید، این بهترین حالت است وگرنه باید قاضی در سیستم اجرائی با همان شاخص های مربوطه حضور فعال، ناظر و پیشگیری داشته باشد، اگر کل حکومت مطلقه دست یک شاه دنیا پرست و خودکامه و شهوت پرست کله شق باشد، باید دستگاه قضاوت را از وی سلب کرد، بخصوص وقتی مرد فاسدی بنام فیلیپو، دی، نیواورلئان (Phillippe D.orleane) و رقااص افسار گسیخته ای مثل مادام پمپاردور که افسار بر دهن شاه گذاشت، مشاروان شاه باشند، ویکتور هوگو (Victor Marie Hugo) یک قرن بعد (۲۶ فوریه ۱۸۰۲م. - ۲۲ مه ۱۸۸۵م) فرانسه در جنگ ها و فاصله های طبقاتی و فقر زاید الوصف فرانسه را ملاحظه میکرد، تمام سخنش این بود، فقر زائیده ظلم است و موضوع عدل آنقدر که ماهیت و شالوده ها و توزیع عادلانه ارتباط دارد به روح ارتباطی ندارد، امروز هم در فرانسه و هر جای دیگر دنیا که با تفکیک قوا کار میکند، فقر جانکاه، ظلم و بیدادگری دنیا را فرا گرفته است، ما به شالوده دیگری نیاز داریم که بحث اصلی ما را تشکیل میدهد.

✚ In my opinion, spirit of laws (no matter the social body), never removed slavery, but it created political slavery with this distinction, Judge himself and his relations with other associate judges, they form a new governmental policy (nonwritten) against oppressed, make monopoly, basically in total, you must burn the crime as a corrupt root of a corrupted pedigree at source, it is the best, otherwise, you should be a judge in the executive system by the many indices and oversight, if the whole government is absolute in hand of worldly and the Godfather and the Horded king, the court must be taken

away from him, especially when a corrupt man is called Phillippe D.orleane and licentious dancer like madam Pompadour, who tied the king's mouth, and be consultants of shah , Victor Marie Hugo a century later (February 26, 1802 - May 22, 1885), he considered France in many wars , class distinctions and the huge Poverty in France, it was all this speech , Poverty is bring from the cruelty and the subject of justice is so much related to the nature and contents of the fair distribution, it is not related to spirit!.....

✚ قاضی نباید تابع احساسات ، دنیا پرستی ، شهرت پرستی ، خیال بافی و نظایر اینها شود ، استنباط چنین قاضی ای غلط است ، چون استنباط یا استنتاج به فرایند یافتن و اثبات کردن نتایج منطقی از پیش فرض های است که منطبق با حق و حقیقت باشد و از چنین قاضی ای مقدور نیست (شعر گل های جهنم از این مولف در انتهای این مقدمه) ، لذا مستندات ، سیستم ها ، قراردادهای ، تضامین قراردادهای ، وجود وکیل صالح در هنگام عقد قرارداد ، بیمه گزاری و سایر تدابیر مدیریتی ، دانش و خبرگی قاضی را مشخص میکند که در دانش مفید آمده است .

✚ The judge should not be subjected to sentiment, worldliness, reputation, fantasy and so on, the inference of such a judge is wrong,.....

✚ بررسی مکرر اینجانب نشان میدهد که ما با درک صحیح و خبرگی لازم و کافی ، نه فقط در پیشگیری و انتخاب صحیح قاضی ، بلکه در بسیاری از مشکلات فعلی نظیر تامین مالی طرح و پروژه ها و توسعه صنعتی و غیره می توانیم با ایجاد زنجیره های تامین مالی وبدون هر گونه دیوار کثی ، مشکل تامین مالی مورد نیاز را برطرف کنیم ، این قواعد راه حل های زیادی را در زمینه های مختلف در اختیار مدیران میان رشته ای قرار میدهد و نشان میدهد که سعادت و نیک بختی جوامع بشری در سطح ملی و فراملی ، با این سیستم های یک پارچه و جامع میسر است.

✚These rules have many and many solutions in the many different areas for interdisciplinary expert managers and It shows that the prosperity of happiness is on the national and international levels of human societies, are possible with these chain and comprehensive systems.

✚ من روح میثاق را (کتاب سوم مولف) را برای هدف های مختلفی نوشتم که هنوز بدلیل هزینه گزاف آن چاپ نشده است ، یکی از این دلایل اینست که انسانیت انسان به جسم و روح است و جسم انسان چیزی جز ابزار کار نفس در امور مادی نیست، که اساس توسعه و تکامل انسانی است ، بررسی مستقل روح ، مثل نصایح دلسوزانه اخلاق یا احکام شرعی است که در عمل شاکله و کالبدی را مجسم نکرده و حرکت فیزیکی و هنجارهای سودمندی صادر نمی شود

✚ Please translate

✚ انسان از مصدر "انس" یا "أنس" است به معنای رام بودن و خو گرفتن و الفت و ملامت داشتن و ضد توحش است؛ لذا یک مرحله بالاتر از بشر است. یعنی بشری که یک مرحله از کمال را پشت سر گذاشته و اینک قابلیت همدمی و همزیستی و همکاری پیدا کرده است ، این خصیصه در

حیوانات در بسیاری از موارد و تجارب به منصفه ظهور رسیده است ، فطرتی در ذات انسان (رجوع شود به انسان شناسی قرآن) که رفت اسلامی و رثوفیت رحمان منان را موجب میشود و از این اشد من الرحمان ، برکاتی نصیب انسان و طبیعت میشود که ذهن های معیوب قادر به انتزاع این گوهر نهان نیست ، قوانین و مقررات بشر ، و احکام شرعی و اخلاق عملیه این مدارج را طی نکرده و ثلاث صدق را شاخص بندی و استاندارد نکرده است ، و عادات پسندیده آن روز و ظهور نکرده و چنین هوش و حیات سیاسی ایجاد نشده و این مراتب مهم و واجب و اجبات نشان میدهد ، روح القوانين ، مثل نرم افزار بدون سخت افزار مرتبط با آنست ، ما از جمهوری اسلامی ایران و از بیانیات بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (قدس سره شریف) چنین ترگب روح و جسمی را درک میکنیم .

✚ Please translate

✚ قوانین کل هستی در حیطه ناسوتی و طبیعت زمینی ، گردش خورشید و ماه ، جریان های حقیقی ، تکوین و احکام شرعی (با قید ثلاث صدق) و ابداعات بشری و آنچه در این حوزه بحث میشود ، از چنین ترگب علت و معلولی و علیت تامه و علیت تراکمی شاکله میگردد در این صورت روح شیطانی حاکم میشود و تعاونی بین روح و جسم بر این مدار حاصل نمی شود.

✚ Please translate

✚ روح القوانين می خواهد این مسئله را کالبد شکافی کند که و روی آن پافشاری کند که حکومت استبدادی یک حکومت فقری در جنبه های مختلف است (صفحه 23 روح القوانين) ، از نظر منتسکیو حکومت مطلقه در اراده و مدیریت حقیقی الزامی جامعه ، به دلایلی که ذات مطلق گرائی حکم میکند ، خلاهائی را ایجاد کرده و در عوض در موضوعاتی رخنه میکند ، که تعادل اجتماعی را مختل می سازد، بررسی های وی از تاریخ و بخصوص انحطاط رومیان ، این چنین تفکری را از فقر سیاسی در ذهن وی پرورش داده بود و به مفاهیم ارزنده و وسیع سقوط و صعود تمدن ها که در متون تاریخی فراوان است، از سایر جنبه های انسانی و انسان شناسی جوامع بشری ، توجه نکرده است ، البته این مشی سلطه غربی و فهم حسّی است که چرا به روح ملقب شده است ، مثل پروژه های یقینی و یا استاندارد معنوی غرب است که از مفاهیم یقینی و معنوی که در این رساله آمده است ، تهی است ، و آنچه غرب با خود حمل کرده است همانست که قرآن کریم در سوره جمعه فرموده است . ما این کژ فهمی را فقط فقر سیاسی نمیدانیم ، فقر عدالت به معنی حقیقی آن میدانیم .

✚ The book of spirit of laws wants to anatomize this problem that despotic government likes a poor government in many different aspects (page 23 book, in Montesquieu's opinion , absolute governments in the true will and true governance of society, created many vacuums for reasons that determine the essence of absolutism, his research and Particularly the degeneration of the Romans, it takes such thinking from political poverty, he had grown in his mind and into important Concepts and crisis of

civilizations have brought in histories texts plentifully about another concepts in anthropology of human societies not paid attention,.....

✚ روح القوانین از نظر وی دو قسمت دارد ، یکی ، مربوط به به ماهیت حکومت است و عبارت است از تقوای سیاسی ، مشی سیاسی ، اخلاق سیاسی ، عدالت و دوم قوانین ومقررات است که دولتیان باید براساس آن ، دولت را اداره کنند ودر راس آن قانون اساسی قرار دارد وقوه مقننه نمی تواند از چنین روحی منفک باشد وبر ضرب پول ، تشریفات حکومتی ، تبلیغات ، وسایر شئونات حکومتی که مقتضی این روح است ، امور تقنینی را انجام دهد، این امور از طریق خبرگان میان رشته ای وبدون دیوارکشی بین اجرا ء وقانون گذاری ، مشارکت تضامنی اعضای این زنجیره حیاتی در تحقق عدالت اجتماعی ورعایت سایر فروضی است که در دانش مفید آمده است.

✚ In his opinion , the spirit laws have two sectors, firstly , related to the nature of the government like: virtue of policy, Political orientation, political ethics, justice and secondly, rules and regulations that are the government must run the government on that basis and at the top of it is the constitution legitimate laws cannot be discredited in such a spirit and acting affairs about state of affairs that is appropriate to this spirit, these affairs do in the way of interdisciplinary expert without any walling between run and legitimate laws, Participation of the members of this vital chain in the realization of social justice and observe other assumptions that come in usefulness knowledge.

✚ بدبختی بشر که هنوز به حیطة انسانیت شرف حضور پیدا نکرده است ، اینست که چشمان خودرا به برج وبارو ، کاخ ها وجثه های بزرگ دست ساخته بشر دوخته است ، گنّده نگاه کردن ، گنده حرف زدن واستناد به این گنّدهگی ها ، که تجسیم شده واز این مجسمه ها روحی هیولائی انتزاع میکندکه خوشایند مردم است وغرور ملی را بر می تابابد ، پول های ربوی تا43 در صد را به برج ها تبدیل کرده وسپس با قیمت گزاف به همین مردم فروخته شده وعده ای برای عقب نماندن از این عظمت گرائی ودال قرار دادن آنها به عنوان توسعه وتمدن ، چه صناعی را راه می اندازند که منسوخ شده است وچه دکان هائی دایر میشود که محصولات این صنایع منسوخ شده را به همین مردم بفروشند ، این یک بدبختی بزرگ است که افکارنظیر منتسکیو وهزاران اندیشمند دیگر را اسیر زمان خود کرده است(به شعر این مولف به عنوان زندانی زمان در انتهای این مقدمه مراجعه شود) ، علی علیه السلام واستاندار ایشان در بصره در گوشه یک مسجد ، حکومت بزرگی را اداره میکردند ، که از مصر تاخراسان بزرگ وسعت داشت ، این تاریخ حقیقی ما برای خواندن، یادگرفتن ودرست هزینه کردن ولجستیک عدالت توزیعی وصدها الزامات حکومتی است ، دراین مورد به مقالات این مولف مراجعه شود.

✚ Please translate

روح القوانین آزادی را بدوقسم آزادی شخصی و آزادی مالکیت (صفحه 25) دانسته و روح قانون را برای یکی بدون دیگری مخل آزادی دانسته است و کیفیاتی را بحث میکند که تجسمی است و با ترگب روحی کاری ندارد (صغری و کبری هائی که امروز مفهومی ندارد و در آن انتشار کتابش هم با چنین نقد هائی مواجه بوده است و غرب برای بر خورداری از نیات خویش ، این تفکیک را پذیرفته و در عمل سیستم های یک پارچه غرب ، امور را نظارت و کنترل میکند ، نه شاهکار منتسکیو!) ، بدیهی است علیت تراکمی بدون توسل به مفسر حقیقی و آمار حقیقی ، و مصایق عدالت آفرین و خبرگی در علوم و فنون و سایر ملاحظات که امروز بر جوامع بشری سیطره دارد ، اساس قانون گذاری ، قضاوت بر اساس چنین برون دادهای بسیار متغیر و مقطعی ، شاخص ها و استانداردهای عدالت اجتماعی را میسر نمی کند ، چه برسد به اینکه برگردیم به قرن هفدهم و شرایط و اوضاع کاملاً متفاوت با اوضاع امروز و مشی آن زمان را در ماهیت تشکیلاتی خودمان اتخاذ کنیم و از حکومت اسلامی که داعیه عدالت جهانی داشته و برای همین آرمان شکل گرفته و قرآن کریم تمام مصادیق را بیان کرده و روح و جسم انسانیت را آشکار ساخته و وعده های صریح و روشن به مردم دنیا صادر کرده و مدافع حق و حقیقت بوده و علیه ظلم و تعدی قیام کرده و از حقوق مستضعفین جهان دفاع کرده و حکومت مظلومین و مستضعفین را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داده و....، در حالیکه این همه چپاول گر و دوست دار آمریکا و دشمن قسم خورده قرآن و اسلام ، نام سلطان چین و چنان روی خود گذاشته و مسبب گرانی و مصائب اجتماعی برای قشر زحمت کش و باعث بیکاری برای جوانان و غیره شده اند !.

✚ Please translate

✚ ما امروز جرایم را به گردن یکدیگر می اندازیم ، بین یک نماینده دلسوز و فهیم ملت در مجلس ، و یک مسئول فهیم و متقی در دولت و یک قاضی عدالت خواه و حق شناس ، یک کلمه بیشتر نیست و آن ایفای حقوق جامعه و تک تک افراد آن ، و این بمعنی روح و جسم مرکب یک نظام جذاب و افتخار آفرین است و هر جا که این جنبه اتفاق افتاده ، به کف زدن و شور ملی انجامیده و هر جا که این قدرت ملی تضعیف و یا سلب شده از هر کس و هر قوه و به هر نحوی از انحاء از ناحیه نظام تلقی شده و دشمن شاد شده است، هزینه سنگینی در این مورد از دست داده ایم ، بقول پیشگامان توسعه ، به فرضیات اقتصادی یا سیاسی گذاشته و قعی ننهید و بر اساس مقتضیات نظام خود ، راهبردهای خود را قوام بخشی کنید(به 5 طرح توسعه از این مولف مراجعه شود).

✚ We are committing crimes today, between a compassionate representative of the nation in parliament and a responsible intelligence officer in the government and An honest judge, it isn't more than one word and that's the rights of the community and its individual members and this means a composed spirit and body together for a accretive system and glory be upon you.....

✚ باید فساد را از مبداء آن خشکانید و آب زلال را از سرچشمه پاک طلب کرد ، و این پاک سازی از اهمیت ویژه ای برخوردار است که اگر نبود در طلیعه انقلاب اسلامی ، در همان موقع شالوده انقلاب بهم میخورد ، مریضی در جسم و روح موجب تزايد بیماری های بی شمار میشود و مشتریان

فراوان برای بیمارستان ها و دستگاه قضاء زایش میکند و دکان کسب و کار زاید و مضر می سازند و سلامت جامعه به خطر می افتد و هوش اجتماعی متوجه نوعی درآمد های غیر مشروع میشود که با جریان نهادینه شده فساد سازگاری دارد و دستگاه قضاء در این جریان سونامی چه میتواند کند جزء اینکه قاضی را آلوده میکند و مردم را برای مشارکت با چپاول گران انگیزه میدهد ، طبیعت جهان و طبیعت اشیاء اعم از گیاهان ، و حیوانات و سایر موجودات ، به اصول پاک الزام دارند ، اصولی که راهنمای دقیق برای ایفای مدیریتی آنست ، توسعه امری وابسته به این موضوع مهم است و غفلت از این مراتب و جریانات آن گناهی نابخشودنی.

آقایان و خانم ها، بدانید ما اگر چنین شویم بدون ذره ای تردید ، کاروان تمدن غالب و جاذب آینده را راه انداخته ایم ، اصول راهبردی این کاروان وجود دارد ، چنین تخصص هائی در دانشگاه ها تدریس نمی شود و هنوز احکام مصدق آن استاندارد نشده و مضامین حق و حقیقت در لفافه های اجتماعی نهان مانده است ، تقوی سیاسی منتسکیوئی پاسخ روشنی در این مورد بما نمیدهد و روح القائی وی مبهم و کهنه است و شرافت حکمرانی وی ، مثل نگاه و خیره شده وی به کاخ ها و برج و باروی های روم است ، تقوا در اسلام یعنی ایجاد سیستم های اجتماعی بر اساس مصادیق قرآن کریم و آشکار شدن آنچه که میگوئیم " صدق الله العلی العظیم" وگرنه قرآن در قرائت بما سودی نمی رساند.

شعر گلهای جهنم از این مولف :

ای دوست ، دانی که چیست گل های جهنم	آن گل ها که شود زینت سرای جهنم
بهشتیان چون به دوزخ میکنند نگاه	بینند آتش گلان در هر کجای جهنم
آنان که از پل صراط میکنند عبور	ترسم بلغزند در محوی تماشای جهنم
جمعی با انگشت شهادت دهند نشان	آن گل قشنگ کان شده انگشت نمای جهنم !
گلبرگ های آتشین آن گل قشنگ	مستمر میزند لهیب ، تا فراخنای جهنم
آن گل قشنگ ، جزء قاضی بدکاره نیست	کو هیزم تن خود کرده ، آتش سرای جهنم
در مسند قضاء ، دزدیده ناموس مردمان	اینک آتش گرفته در مسند سرای جهنم
مال حرام خورد و داد حکم نا بحق	اینک محروق میخورد ، چرکین غذای جهنم
"محمود" آنکو مال ترا خورد ، نکرد فهم	که تمام دهر نیرزد ، به یک لقای جهنم

محمود صناعی پور به تاریخ 1380/10/6

شعر زندانی زمان از این مولف:

بمناسبت تدوین رساله چهارم مولف تحت عنوان " مصلحت ناب"

چه کسان هستند در زمان ، اندر کمند چه کسان در آینده می تازند ، سَمند

بین دیروز، امروز و فردا ، نقش زمان
 آنکه محبوس میکند خود، در یک زمان
 نیکونام ها در جهان ، هر زمان در رهند
 سرمایه ساخته اند از زمان حال خویش
 ثبت کردند از گذشته دیرین، تا بحال
 ساعت ها میرود تا صفر سازد عمر ما
 چون قلم داری ، فشار بر ذهن مکن
 کارنیکت را دستورالعمل کن وقت کار
 من و تو نیستیم ، ربات بهر مردمان
 انسان است که میکند دانش انتقال
 اهرمی ساخته بردارد ، هر باری گران
 این توالی رمز شکست حبس زمان
 محمود از زندانی زمان خود کن حذر
 میکند بازی با صفات روزگاران زَمَن
 در همان زمان آید و رفته با آن کاروان
 زنده اند و با کاروان های دَهر همدمند
 برای فردهای خود، میفرستند زپیش
 تا روش سازند از آنچه دیدند در مثال
 رمز فرصت ها ماند ، در دفترهای شما
 چون اثر ماند، در دیر پای زمان از کنون
 تا از تو ماند ، زمان سنجی ها، ماندگار
 گر بدانیم نقش ما چون در هر زمان
 نیک یاد آرند از این استاد در هر مقال
 امروز، فردا و در دیر پای هر زمان
 تا تو آزاد گردی، از زندانی زمان
 تا پس از مُردن ، زنده گردی و پراثر

تاریخ : 1398/4/21

مثلت " صدق نظری، صدق عملی ، صدق مبتنی بر ایفای حقوق متقابل" یکی از 2000 قواعد دانش مفید

تحقیق در موضوع علم مفید حاصل از تدبیر در قرآن مجید است

بسم الله الرحمن الرحيم In the Name of Allah, the most beneficent, the most merciful
 تحقیق در موضوع علم مفید حاصل از تدبیر در قرآن مجید است (سوره نساء آیه 82) (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْآنَ
 وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا یعنی : آیا درباره (معارف) این قرآن اندیشه و پی
 گیری فکری نمی کنند؟! و اگر از جانب غیر خدا بود مسلماً در آن اختلاف بسیاری می یافتند. (تدبیر با
 تفسیر متفاوت است (قانون اساسی خداوند متعال (بخش اول – علم مفید) بدو زبان فارسی و انگلیسی ، لطفاً
 به سایت علم مفید مراجعه کنید مخفف مدرک فارسی: تدبیر و هشجاری تابعیت از حق با رویکرد علم مفید)
 آموزه های قرآن در علم مفید Acronym: Return on Quran (R.O.Q) (معیارها و شاخص ها

Criteria and indexes از سوره فاتحه الكتاب تا انتهای باب اول: حقیقت قرآن مجید در تبلور علم مفید • اگر کسی که به ماهیت علم مفید آشنائی یافت ، از شاکران خداوند متعال خواهد شد

• علم مفید هدیه است از سوی خداوند متعال به بنده فرمانبردار اوامر الهی • کسی که علم مفید را یاد گرفت به راه مستقیم راه یافته است و از نعمت علم مفید بهره مند میشود (تدبر در سوره فاتحه • (قرآن کتابی است که در آن شکی نیست ، و حقیقت محض است ، و اگر در آن شکی دارید ، یک سوره مثل سُورَان بیاورید اگر صادق هستید (تدبر در سوره بقره/23)

• حقیقت اینست که لباس باطل به آن پوشانده نشود و مورد کتمان قرار نگیرد و این یکی از تعالیم حکمت آمیز برای انسانهاست (تدبر در بقره /42 • (اخراج مردم از خانه هایشان (از قلمرو حق) و یا حمایت نکردن از حقوق آنان در مقابل ستم کاران ، ظلمی است که انسان بخودش می کند ، برای اینکه به ستم کاران راجع حق کشتی بیشتر می دهد و مظلوم را تنها میگذارد و این بی تفاوتی یقه او را نیز میگیرد (تدبر در بقره/85 • (در موضوع حقیقت حقیقت ، یکی اینست ، تا موقعی که خلاقیت جدیدی در تغییر روش های نشده است ، نباید روش قدیمی را منسوخ کرد (تدبر در بقره /107 • (بعضی از مردم ، بهر دلیلی ، بر اساس کفر و یا نفسانیات خود ، حسادت می ورزند ، قبل از آنکه حقیقت را دریابند ، لذا تا موقعی که به امر حق وقوف نیافتید ، نباید حسادت کنید (تدبر در بقره/108 • (منظور از بشارت و انذار خداوند متعال ، تجلی حق است (تدبر در بقره/109 • (از منظر قرآن و حقیقت کسب و کار در بهینگی است ، و افراط و تفریط در آن راهی ندارد) تدبر در بقره /143 • (در رابطه با علم مفید، آنچه از قرآن مستفاد و درک می گردد ، اینست که اهالی سابقون در خیرات ، این خیر خواهی فردی تلقی نکرده ، بلکه در این اصولی از تجمیع افراد خیر رسان و تجهیز همه امکانات بهره میبرند (تدبر در آیه 145/بقره • (در راه حق ، هر کجا که امر خیری انجام میشود، خداوند متعال به آن شاکر و آگاه است (تدبر در آیه 158 از سوره بقره • (معاملات در کسب و کار باید حلال و پاکیزه بوده و از کلاه های حرام و نجس باید پرهیز شود (تدبر در آیات 172 و 173 از سوره بقره • (در راه حق و حقیقت انفاق کنید ، در غیر اینصورت خود را به هلاکت انداخته اید و از محبت خدا محروم شده اید (تدبر در آیه 195 از سوره بقره).

• منظور از علم مفید اینست که اگر ضرر یک ماده از منافع اش بیشتر بود ، ما باید آن ماده را کنار بگذاریم (تدبر در آیه 219 بقره • (در دنیا ، ما باید در مورد یتیم (پدر مرده) تصمیم بگیریم ، و خیریه ها باید در این مورد بکار کرد های جدیدی روی آورند ، و از آنان ، مردان و زنان شایسته ای بوجود آورند (تدبر در آیه 220 بقره).

مقاله 297 در مورد مدیریت از این مولف:

In the name of Allah, the beneficent, the merciful

در قرن 21 (مقاله 297) UKRM چرایی و ضرورت مدیریت قواعد دانش مفید

Why is it and necessary useful knowledge rule management (UKRM) in 21 century (article 297)

در شرایط بحرانی امروز جهان ، این مدیر است که با خبرگی در دانش مفید ، حافظ منافع و حقوق مردم در تعاملات اجتماعی است.

In present critical condition today, this manager is expert in useful knowledge, be keeper the interests and rights of people in social interactions.

مدیران پیشگام در عرصه مدیریت دانش مفید ، نقش موثری در جهانی شدن فرهنگ عدالت توزیعی در جهان دارند.

Pioneering Managers in area of useful knowledge management, have an effective role in the world about Globalization culture of distributive justice in the world.

آنچه از دانش مدیریت امروز نصیب ما شده است بعضاً سلبی بوده و باقی مانده آن برای مدیریت دانش مفید لازم و کافی نمی باشد.

What has got us from knowledge management (KM) today, sometimes it's privation and the remainder is not necessary and enough for KM.

مدیریت مبتنی بر دانش مفید ، بر اساس قواعدی که حقایق ، حق طلبی و یقینیت مدل ها و شیوه های مدیریت مفید را برای همگان میسور می سازد.

Management basis on UKRM, makes accomplished righteous, right to ask, certain models and methods in useful knowledge for everyone.

نویسنده و تحلیل گر: محمود صانعی پور : خبره میان رشته ای و یاد گیرنده مادام العمر

Author and analyzer: mahmoud saneipour: interdisciplinary expert and longlife learning (LLL), learned man



Mahmoud saneipour

Date: 5/31/2019

11 خرداد 1398

ضمائم: در انتهای این مقاله

1. ضمیمه مقدمه رساله مثلث های دانش مفید از این مولف:

2. حدیث کلمه یا معرفت کلام (قصه رقص کلمات)

مشکلات مدیریت امروز جهان چیست؟

سازمانها در تاریخ دیرینه خود بسیار ساده و بسیط بودند و از کمترین ترگب های نوع علّتی تراکمی امروز بهره میبردند و با کمترین تعاملات اجتماعی روبرو بوده و تراکنش های معاملاتی ، پولی ، دخل و خرج ، سرمایه گذاری و غیره ، نیازمند مدیریتی حرفه ای و تخصصی و پویا نبوده است ، مدیریت امروز ، بر

اجتماع نقیضین دلالت دارد و اموری متناقض (paradoxical affairs) است ، تمامی مسائل مدیریتی مطرح از ابتدای تاریخ بشر تا سال ۱۸۸۰ در چند بخش ساده طبقه‌بندی میشد، مسائلی نظیر سیستم‌های اداری و مدیریتی سومری‌ها، مصری‌ها، ایرانیان باستان و مواردی نظیر ساخت اهرام ثلاثه مصر و ساخت دیوار چین در این حوزه طبقه‌بندی می‌شود (از ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد)، در قرن نوزدهم که قرن تغییرات شگفتی می‌باشد ، مکتب های مدیریتی از سال ۱۸۸۰ تا ۱۹۲۰ شروع شدند و به ۳ دسته کلی زیر تقسیم شدند:

1. مکتب مدیریت علمی فردریک تیلور

2. مکتب مدیریت اداری (اصول‌گرایان) هنری فایول

3. نظریه بروکراسی آرمانی ماکس وبر

آراء و قواعدی که در این مکاتب بکار رفت به جهات مختلف ، لازم و کافی برای چرخش امور و تصمیم گیری های همه جانبه در نظر و عمل نیست ، بحث نظریه‌های مدیریت کلاسیک دستیابی به حداکثر کارایی در سازمان بر حسب تعریف کارایی (efficiency) جوابگوی منافع همکاران و مشارکت کنندگان در یک سازمان ، زنجیره تولید و عرضه نبوده و حقوق عامه را تامین نمیکند و با تحدید حدود کردن پژوهش های حسّی-ابطالی (Sensory-falsification) غرب دارای و جاهت مدیریتی شایسته نیست ، ضمن اینکه حداکثر منافع برای خود و حداقل کردن آن برای رقیب که در بازار قرمز (red market) امروز متداول است ، از مایه های بنیادین سرمایه داری است که در حال افول مسرّعه قرار دارد .

در سال های ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۰، در حالی که غرب رکود اقتصادی را تجربه می‌کرد، برخی از دانشمندان علوم اجتماعی به رهبری التون مایو مطالعاتی را دربارهٔ چگونگی و اکتش کارکنان به میزان تولید در صورت تغییر شرایط کاری، طراحی شغل و محرک‌های مدیری آغاز کردند، دست آوردی ما از این مطالعات در شرایط فعلی ، نشان دهنده ، **فقدان های جبران ناپذیری است که در این مقاله خاطر نشان شده** است ، دلیل عمده فقد اصول وقواعد اساسی و ضرور ، عمدتاً متوجه تفکر و رویکرد های طراح آن میباشد که اگر امروز حضور داشتند ، اعتراف به نقایص آن می نمودند ، یکی از این نقایص ، تمرکز بیش از حد بر متغیرهای فیزیکی در مقابل انبوهی از متغیرهای معنوی و عدالت محور است، خود رفتار ، منش و اخلاق و دنیا پرستی و زیاده خواهی مدیر ، جنبه واقعی دیگری در بروز تناقضات سازمان و مدیریت جهان امروز است.

نگرش سیستمی، که تقریباً از دهه ۱۹۵۰ (میلادی) در مدیریت مرسوم شد، بطور بدیهی ، این نظریه به عنوان نگرش سیستمی (System approach) بهترین طریق برای وحدت بخشیدن به مفاهیم و نظریه‌های مدیریت و دستیابی به نظریه‌ای جامع است نظیر مدیریت قواعد دانش مفید (UKRM) است (رساله مدیریت برتر از این نویسنده در حال تدوین) و سابقه دیرینه در محققان و فیلسوفان کهن تا کنون دارد ، اگر نگوییم که تمامی شمول دانش مفید قابلیت سیستمی به سیستم‌های اجتماعی دارد ، بیشترین مواد مشتمل آن از این خاصیت برخوردار است ، مشکلات فعلی ما در این فقدان در مفسر حقیقی داده ها (True data)

(interpreter) ، تاویل آنها و کذب بودن بسیاری از دیتا های منتشره است ، لیکن با این وجود ، مطالعه مسائل و چالش های موجود سازمان ها و مدیریت به صورت چند بعدی که در قواعد دانش مفید آمده است ، باعث پیدایش و تکامل تئوری سیستم های مورد استفاده در قرن 21 خواهد شد که به ایجاد زمینه های که در مقالات قبلی متذکر شدم ، می باشد.

مکتب اقتضایی (رهیافت اقتضایی) که از ۱۹۶۰ مطرح شد، برای محدوده های بومی و گروه های خاص میتواند مفید واقع شود ، خاص نمودن جنبه های از مدیریت و سازمان دهی بر حسب قواعد خاص و عام ، اولویت بندی ، مصلحت ها زمانی و مکانی ، افهام نسخ و تخصیص را دقیق تر میکند ، نه فقط با انشاء و اراده شخص مدیر باشد ، احتیاج به قانون و یا رای اجماع تعیین شده دارد ، که بسیاری از تجارت الکترونیکی امروز و یا رفتارهای شبکه های اجتماعی را مشمول خود میسازد ، اینها بخشی از رفتار حکیمانه مدیر و برخی از آنها به حکمت متعالیه نیاز دارد ، اقتضائی نظر دادن و عمل کردن ، همین است که از داخل کاخ سفید و سایر کاخ ها بیرون می آید و منجر به کوخ نشینی بیش از 70 درصد جمعیت جهان شده است.

تقسیم کردن مدیریت به سطح عالی ، راهبردی ، عملیاتی ، میانی ، دولتی ، خصوصی ، صنعتی ، بازرگانی ، شهری ، رسانه ای ، تحولی ، انسانی ، بحرانی ، ریسکی ، آموزشی ، بازار یابی ، مالی ، پروژه ای ، هتلداری ، جهانگردی ، گمرکی ، استاندارد ، ورزش ، ودها مورد دیگر که کل منسجم مدیریت را به اجزاء غیر ارگانیک تبدیل کرده است (رساله مدیریت برتر) ، نسخه ای برای مداوای بیماران جامعه فعلی نیست ، بیشتر جنبه دکان کسب و کار دارد که در هر موردی در حال تزاید روز افزون است که در این مورد هم باید چاره اندیشی کرد، موضوع ما به تغییر قواعد و اصولاً تغییر مدیریت و سازمان دهی جهان برمیگردد، بطوریکه در بحث های گذشته متعرض این معنا و مفهوم شدم که اصل تفکیک قوا نیز از حیث انتفاع ساقط شده است ، چه برسد به سایر اصول که یک روز جنبه اصولی (basic aspect) داشته و امروز دیگر از این حیثیت (respectability) برخوردار نیست .

وقتی ما از اصول سخن میگوئیم ، باید از ضرورت های حقیقی ، حقوق ایجابی و سلب اباطیل های متعارف بحث کنیم که لاتحد و لاتحصی (unlimitly and unstatistice) است، تمام حیطه های مدیریتی و سازمانی را در بر میگیرد ، مدیریت بر حسب هدف ، یک روز سخن نو بوده است ، راه آینده بیل گیتس ، که در حال ذوق زدگی از این شخص ارزشمند نوشته شده است ، میدان تاخت و تاز فقر و غنی ، قرار گرفته است ، ورهبری آن به دست ربات ها افتاده است و از یک تراریختگی نوع الکترونیکی (Genetically Engineered Organism) برخوردار شده است ، هکرها با افزودن ویروس های الکترونیکی ، سود های نصیب زیادی را خود میکنند که کشاورزان از مهندسی ژنتیک به این سود هنگفت نمی رسند ، ولی با این مقیاس ، مردم را جزء مشتریان وفادار بیمارستان ها میکنند ، توسعه فناوری های ارتباطی و تلاش برای پیشرفت تکنولوژی برتر در جهان سرمایه داری ریاست تراریختگی همه جانبه را به عهده گرفته است، مخاطرات استفاده از فناوری زیستی برای محیط زیست و سلامت انسانها هزار چندان شده است.

پس سخن ما در اصول به حکمت متعالیه برمیگردد ، انسان شناسی مدیریت در این مورد، نقش اصلی را بازی میکند ، آنقدر این نقش مهم و دارای اولویت است که نقش قوانین که توسط مدیر دور زده میشود ، در اولویت بعدی است ، موضع مدیریت و شیوه مدیریتی او ، عین قانون وقاعده است ، قانون ساز است ، ایجاد قواعدی متناسب برای حقوق انسان ها است ، نه اینکه هر چیز مقتضی زمان و مکان است ، عدالت و کرامت انسان ، زمان و مکان نمی شناسد ، سیاه و سفید ندارد ، مدیر کشتی ران است ، او راننده سازمان است ، او قدرت پیشگیرانه دارد، قبل از اینکه وفاداران به بیمارستان ، دادگاه وزندان ها خلق شوند ، او حق را متلبور میکند که فطرت انسان ، عقل انسان ، وجدان انسان و انسانیت انسان ، پذیرای آن است ، تمکین کننده آن است ، راضی شونده است ، قانع شونده است ، قوت و امنیت قلبی میدهد و آرامش وجدان و جان پیدا میکند ، اینها اصل است و نیازی به صغرا و کبرا ندارد.

امروز بسیاری از نسخ قدیمی مدیریت و سازمان دهی منسوخ شده است ، فهم و درک و شناخت این امر مهم از مهمات نظری و عملی حوزه مدیریتی مراکز علمی و فنی است ، یک توانائی جدید است ، یک قدرت حکیمانه است ، ریشه اسلام هراسی (Islamophobia root) در این رمز و راز نهفته است ، شاهد مثال ما آیه ۱۰۶ سوره مبارکه بقره است: مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: هر حکمی را نسخ کنیم و یا نسخ آن را به تاخیر اندازیم، بهتر از آن، یا همانند آن را می‌آوریم. آیا نمی‌دانستی که خداوند بر هر چیز توانا است؟! یعنی جریان خیر راه افتاده است و ابتدا به خیر و حقوق همه مردم دنیا در مشیت الهی (Divine Providence) قرار گرفته است ، به اعتقاد من و شما هم کاری ندارد ، امور جریانی است گاهی نسیم وار و گاهی سونامی وار ، آشکار میشود ، اینکه شما آنرا تأیید کنید و یا رد کنید ، علی السویه (indifferently) است ، آزمون شروع شده است ، امتحان آغاز شده است ، یقه مدیران را بیشتر میفشارد !.

سطح تغییر قوانین و قواعد بقدری زیاد است که من در مقالاتم ، عنوان فراانقلاب (meta-revolution) بر آن گذاشتم ، فرق انقلاب و فراانقلاب در این است که محدوده زمانی و مکانی انقلاب مشخص است ، ولی فراانقلاب ، فرازمانی و فرامکانی ، فراجنبه ای ، فرا موضوعی و بسیاری فراهای (metas) دیگر است ، همانطور که میبیند ، روزگار ما طوری شده است که مجال فکر کردن ، نقشه کشیدن ، قانون گذاری و بسیاری کارهای عجولانه و غیر اصولی از بین برده است و فرضیه های گذشته ناکارآمد شده است ، قوانین و قواعد منبعده ، اصول خود را از حق و حقیقت و قواعد دانش مفید اتخاذ میکند .

چرایی و ضرورت مدیریت قواعد دانش مفید (UKRM) در قرن 21

پیرامون مدیریت دانش کارهای زیادی انجام گرفته است ، فناوری های اطلاعاتی و شبکه ای در سطوح مختلف محلی (LAN)، اینترنت و اینترنت ، تعاملات دیجیتالی در بانکداری ، تجارت ، اقتصاد و غیره هوشمندانه بیاری مدیریت دانش شتافته ، ولیکن نقش عدالت توزیعی ، کاهش فاصله درآمدی ، کاهش چپاول گری و در مجموع رضایت مردم جهان را نداشته است و بیشترین قابلیت برای نظام سرمایه داری ظالمانه ، اطلاعات کاذب ، تفسیر های غلط از دادهای تولید شده و نظایر اینها را موجب شده است و در جهت استعلاعی انسان بسوی سعادت نقش معکوس داشته و هژمونی ابزاری را به نفع قدرت های غارت گر

توسعه داده است ، این انباشت اطلاعات در واقع بر ضد دانش مفید و مدیریت دانش فعلی عمل کرده و خودش به مصائب جهانی تبدیل شده است و نشان از آن دارد که دانش امروز برای مدیریت امروز کافی و وافی نیست .

بنابراین، مدیریت دانش با مشکلات مبهم و غیر روشمند روبه‌رو شده است و از حیث انتفاع سقوط نموده و سردرگمی ایجاد کرده است و کارآمدی خود را در عرصه های فعالیت اجتماعی از دست داده است و جوامع بشری را نیازمند روشی مناسب و شیوه ای کارآمد در نظر و عمل در مدیریت در سطوح مختلف و در عرصه های گوناگون نموده است، در واقع آن دانش صریح و حکیم که موجب قوام بخشی مدیریت شده و قابلیت پیشگیری از مداخله کنندگان مزاحم را در امر مدیریت داشته باشد ، مورد نیاز جامعه پر چالش امروز است بصورت نظری و عملی ، این امر مهم ایجاب میکند که نقش مدیریت برابر قواعدی روشن و مدبرانه ساماندهی شود، مدرک:

ensani.ir/fa/article/download/246692

مهم اینست که جامعه بشری بطور عینی و یقینی از مدیریت بهره‌مند شود و در فرآیندهای ترکیبی آن ، در جهات عدالت توزیعی و مصالح عمومی مشارکت های پشتیبانی کننده قانونی و مجاز داشته باشد ، و از بارگیری موارد غیر ضرور در فرآیند های مدیریتی برابر قواعد مصرّحه و چارچوب های مسلم ممانعت به عمل آید و به بهانه های مداخله جویانه ، نظیر تخصصی شدن امور مدیریتی ، جهانی شدن دانش ، و هر گونه ترفند های ملهم از سرمایه دارای سلطه که مدیریت را در نقش برتر خود معلق میکند ، مبری شود، در واقع مدیریت چه در بخش نظری و چه در بخش عملی ، در کارکرد های اقتصادی ، سیاسی ، صنعتی ، کشاورزی و غیره باید دست برتر مدیریتی را داشته و تضمین کننده منافع عادلانه مردم در همه امور باشد که برابر مصادیق قواعد دانش مفید ، ایفای نقش میکند و در میادین عمل ، با مهارت های مکتسبه میانداز بوده و از صندلی راحتی (Chair-arm man) رها میشود و دانش مفیدی بیاموزد ، که دانش های جنبی دیگر ، مدیر را از وظایف ذاتی او منحرف نکند.

مجموعه این تغییرات اساسی در ایجاد یک موقعیت ممتاز جهانی ، عنوان مدیریت قواعد دانش مفید نام گرفته است (UKRM) که جایگزین KM میگردد، و برای مراکز آموزشی و یادگیری شمول آن از سال های پیش پا فشاری و ابرار شده است تا بیک سیستم یک پارچه جهانی مبدل شود، لذا علم و دانشی که دانش مفید مدیریت را سکودار میکند دارای تعریفی مشخص و مبتنی بر یقینیت و مفیدیت آن علم و دانش است و بسیاری از علوم ضمنی دیگر در این سکوداری اشتراک ندارند ، معنی این سخن اینست که قبل اینکه ما هنجارهای نفسانی (Sensory norms) مدیر را مورد نقد قرار دهیم ، متوجه نقص ها ، کاستی ها ، دستورالعمل های مضر و هژمونی های مداخله گر در نظر و عمل در امور جهان باشیم که بیک فرا انقلاب ریزشی و رویشی جدید نیاز است که کلاً ادبیات مدیریتی را تنظیم کرده و ستون فقرات مدیریتی را قوام بخشد ، بسیاری از بحث های فیلسوفانه و یا مدل های مدیریتی از زمره موارد سلبی هستند و جایگزین آنها که نسخه جدید مدیریتی محسوب میشود ، میثاق ها، قراردادهای و چارچوب مقوم اجتماعی و قواعدی هستند که بر اساس حکمت و خردمندی آرائی جهانی خواهد شد و از زمره موارد ایجابی خواهد بود.

به عنوان مثال موضوع پرسروصدای دموکراسی (Democracy) که چالش های متضاد فراوانی ایجاد کرده و به تدریج بی رنگ میشود ، در این کالبد شکافی ، باید منعکس کننده حقایق باشد که منافع عموم را ایجاب میکند ، بازی با کلمه نیست که حرف های حقی به پشتیبانی این واژه گفته شود و مراد باطل داشته باشد ، یعنی هرگونه اصطلاح شناسی (terminology) از این دست ، با تجربه تاریخی آن ، با نیات پشت پرده داعیان آن ، عوام فریبی ، و غیره یا اصلاح شده و یا به زبانه دان تاریخ سپرده میشود و این سیر و سلوک در ادبیات و هرمونیک های عصر حاضر از ضرورت های این کالبد شکافی خردمندانه است ، حق و حقیقت در راس امور است ، از آن بلندای که دست مردم به آنجا نمی رسد و فقط مخصوص یک عده است ، در قالب مثلث های دانش مفید تحریر شده در روی زمین نصیب هم مردم شود (رساله خرچنگ یا سرطان از مولف) ، و چنین بود که هزاران اصطلاح مکتب گونه نظیر عمل گرا (Pragmatic) و عمل گرای نوین (new pragmatic) و غیره که به خورد مدیران دادند .

خود محوری ، خود بسندگی ، سیطره های ناشی از رفتارهای مداخله گر ، حق و حقیقت را پنهان کرده است و تضارب افکار وجدل های نافذ میداین جدیدی را برای رتق وفتق (solving things) برای صاحب های صندلی تنظیم کرده است ، دین که کارش رستگاری مردم است در بسیاری امور وجه مصالحه قرار گرفته و فلسفی که در پی کشف حقیقت و ضرورت های جامعه است به دستگاه هم گوئی (Dialogue) و یا خود گوئی (Monologue) و شمول دیگری از دست ، فرم پیدا کرده است و فرمالیست ها (Formalists) در این هیاهوی بی منطق ، سر در آوردند ، ایمانوئل کانت که یکی از بنیانگذاران فلسفه جدید است و تجربه گرایی و عقل گرایی مدرن را در هم آمیخته و در مابعد الطبیعه ، معرفت شناسی ، اخلاق و فلسفه سیاسی به فلسفیدن پرداخته است آمیخته ای درست کرد بنام " ایده بنیادین " فلسفه نقدی کانت به ویژه در نقدهای سه گانه وی " نقد عقل محض " ، " نقد عقل عملی " ، و " نقد قوه حکم " ، یعنی در " خودآیینی انسان " دور میزند وی درک انسان را برای باور به خدا، آزادی، و جاودانگی ، شناخت علمی، اخلاق و باور دینی متقابلاً سازگار و مورد اعتماد میداند زیرا همه آن ها متکی به بنیان یکسان " خودآیینی " انسانند، که البته با حکمت متعالیه تضاد های فاحش دارد .

قواعد بنیادین دانش مدیریت ، تنها متکی بر وجدان ، اخلاق و نیات اشخاص نیست ، نشانه شناسی و پدیده شناسی که همان آیات شناسی است ، مبرهن میسازد ، ما باید منطقی را بپذیریم که شروط ضروری و کافی برای تحقق حق و حقیقت باشد ، سرمایه فکری انسان با شرایطی که متحمل میشود ، فقط به ابداع و خلاقیت عینیت می بخشد ولی با مکونات الهی و امور تشریحی و مصادیق احکام مربوط به آنها نیازمند یادگیری مستمر دیگر است ، مجردات از اراده انسان فرمان حق و حقیقت ندارند، ریاضی ، شیمی آلی و سایر امور ارگانیک و مجردات هستی را می توان دست کاری کرد ولی نتیجه که حاصل میکنند ، همان مقصود و نیت شخص عامل است نه حقوق مسلم مردم ، چون دستگاه هوشمند آفرینش حاکم بر سر نوشت ما در روی زمین است و نیات و اعمال و خیر و شر ما در این آزمون و محکمه ها دخالت دارد .

مراتب یقین ، تنها در علم الیقین نمی ایستد ، اگر چه خود این واژه مجموعه ای دانش مفید است ، به عین الیقین و حق الیقین ، سیر تکوینی و تکاملی دارد تا آنجا که انجام پروژ های یقینی در بعضی مراکز علمی

در حال باب شدن است و این توسعه این موضوع مهم و تازه فهم شده ، مستلزم برخورداری از دانش مفید است:

<https://help.getharvest.com/harvest/projects/projects.../why-cant-i-see-certain-projects>

ما در دانش مدیریت به مواضع سخت نیازمند هستیم و گرنه در چالش های جهانی امکان حذف وجود دارد ، یعنی این سیاست نیست که قادر به سلب و ایجاب است ، قوا و استعداد های دیگری وجود دارد که دایر مدار نیاز مند جریانات و امواج و تقارن های هستی هستند ، راهکارهای رسیدن به يك سیستم دانش مدار از جنس دانش مفید و برای راه اندازی يك سیستم مدیریت دانش موفق ، مطمح نظر جامعه بشری است ، زیر ساخت های مدیریت قواعد دانش مفید (UKRM) اعم از قواعد دانش مفید ، انسان دانش مفید ، فرهنگ دانش مفید ، ساختار دانش مفید ، اطلاعات دانش مفید ، پروژه های دانش مفید ، مراکز آموزشی دانش مفید ، فناوری دانش مفید و غیره نیاز است

ضمیمه مقدمه رساله مثلث های دانش مفید از این مولف:

In the name of Allah, the beneficent the merciful

رساله مثلث های مدیریت دانش مفید (رساله اول)

Thesis of useful Knowledge management triangles (UKMT)

بر اساس علم وقواعد دانش مفید ، برای فهمیدن و فهماندن ، برای اینکه کسی کلاهت را بر ندارد

Basis on useful science and rules of useful knowledge (RUK) for understanding and to make understand, because anyone does not fraud your hat

این قسمت: مقدمه مثلث های مدیریت دانش مفید بر اساس زمین در حال قرمز شدن

This part: the introduction of useful knowledge triangles (UKMT) and basis on the earth is reddening now.

نویسنده اثر: محمود صانعی پور : خبره میان رشته ای و یادگیرنده مادام العمر

Author: mahmoud saneipour: interdisciplinary expert and longlife learning (LLL), learned man



Mahmoud saneipour

مقدمه

مثلث دانش غرب مطلب تازه ای نیست ، این یک روش آموزشی با همان مدل های قبلی در علم و تکنولوژی است که در قالب مثلث های صوری ، صورت عوض کرده است ، ولی من محتوای مثلث ها را از هستی شناسی دانش مفید تنظیم کردم ، برای رهایی غرب از تحدید حدود وین بست های فعلی در جهان ، منتظر مطالب بعدی من باشید مثلث دانش مفید یک مفهوم جدید است ، این مفهوم چالش جدیدی در جهان ایجاد میکند و راه حل میدهد ، یادتان باشد بزرگترین چالش بشر و نیروهای پنهان، در قالب نصایح ، مدل ها ، روش ها و یا بازی با ریاضی است ، در قدیم حکما، این طرق را بکار نمی بردند، جز رمال ها و طاس انداز ها ، حالا این رویه دانش بنیان شده است !.

The West Knowledge Triangle is not new; this is a method of training by the same previous models in the science and technology that changed face by other Triangle formats, but I set it up the content of triangles from ontology about useful knowledge, to liberate the West from limiting the limits in the world, wait for my next post, the Triangles of useful knowledge is a new concept, this concept creates many challenges and get many solutions, dont forget, the Greatest Human Challenge and the Hidden Forces are in Advice template, models, Methods or games with math, in the old days, the intellectuals did not use these methods except eomancies and throw dicers, now this knowledge is based!.

مثال خودم را از بازار قرمز یا سرخ (red market) شروع میکنم که از سال 1934 پایه گذاری شده و اشاعه یافت ، بازاری است که بدلیل فاصله شدید درآمدی مردم ، فاصله زیاد فقر و غنی ، فرضیه عرضه و تقاضا (Supply and demand) شکل گرفته است و مدل عرضه و تقاضا را در اقتصاد نئو کلاسیک از ارزش ذاتی انداخته است ، عرضه و تقاضا در رقابت های خصمانه بی اثر است ، حداکثر سازی سود برای چپاول گران تجاری و حداقل سازی سود برای کسبه و تجار خرده پا و ناتوان یکی از خصوصیات بارز بازار قرمز است ، یکی با تولید انبوه (Mass production) یک بازار انحصاری ایجاد کرده و سهم غالب بازار را به خودش اختصاص داده و ایجاد مثلث" از انبارهای بزرگ کمپانی ، به انبارهای کوچک خانه ها ، انباشت و اسراف کالا و مواد) میکند، هم هزینه انبارداری را به گردن خریدار انداخته و هم مردم

را به حرص و تکاثر و انباشت صدها قلم به عنوان مد (Mode) و مارک (Mark) و برند (Brand) ترغیب نموده است .

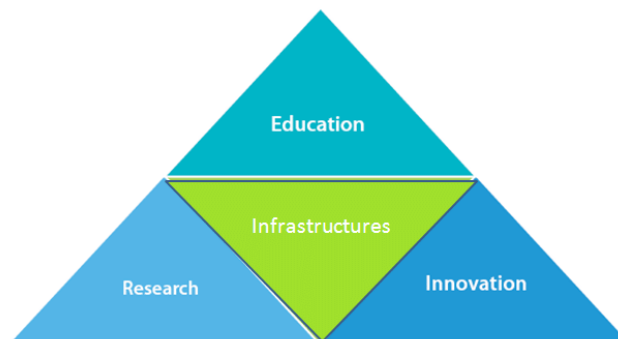
I start my example from the red market that Founded in 1934, it was founded, the market is formed for the reason that of the huge income gap people have, high poverty and rich gap and theory of Supply and demand and fall down the Supply and demand from Intrinsic value, Supply and demand is not effective in hostile completions, Maximizing Profit for Commercial plunders and Minimize profits for weakness businesses and small businesses is one of the characteristics of the red market, anyone by Mass production created a monopoly market and the dominant market share is dedicated to itself and created triangle as” From the large warehouses of the company, to smile stores of people’s homes, Accumulation of goods and materials” , the cost of warehousing has been put to the buyer's neck and also , Encouraging people to greed and accumulate hundreds of pens as mode, mark and brand.

در این بازار ها که سرعت در حال رشد و توسعه است ، شما فقیرانی میبینید که کارتن خواب هستند (حتی در کشورهای توسعه یافته) و یا دستشان را بسوی شما دراز میکنند و کرامت و عزت انسانی خود را زیر پا می گذارند و زنانی که تن فروشی میکنند و قدسیت و ارزش ذاتی خود را بر باد میدهند ، در این بازارها هزاران اغذیه فروشی ، رستوران ، هتل و کاباره وجود دارد که عده ای پول دار که با دلالی و بست و بند این بازارهای وحشتناک ، به گران کردن اجناس مورد نیاز مردم می پردازند ، در حال خوردن و نوشیدن هستند و کسانی که یک پنجاهم درآمد این غارت گران را ندارند ، سالها نمی توانند با خانواده خود در این رستوران ها یک غذای دلخواه را میل کنند ، لذا بازاری است عقده ساز ، کینه ساز ، انتقام ساز و... و ثمره این فاصله ها برای ایجاد مثلث "تراکم ازدحام در دادگاه ها ، بیمارستان ها ، افزایش تورم و بیکاری " میشود که نام این مثلث را مثلث شوم نهادم (به مجموعه مقالات من در این مورد مراجعه شود) و برابر مدل های بازاریابی نوع سرمایه داری ظالمانه ، مشاوران و بازاریابان غربی به کشورهای شرقی و یا همایش های کشورهای مختلف هجوم آورده ، این مدل ها را تدریس یا القاء میکنند و مبالغه گزافی به جیب می زنند ، در چنین میدان نبردی (battle field) ، بازار اجتماعی (Society market) و بازار سفید (White market) یک توهم و یا یک شعار بیش نیست . به مثلث های زیر نگاه کنید:

In such markets those it is growing rapidly, you see any cardboard sleepers who in these markets (even in developed countries) or they reach out their hands to you and they break up their esteem and greatness, the women how are selling her body and dissipate her sacrifice and inherent value, in these markets there are thousands of delicatessen, restaurant, Hotel and cabaret that some people are eating those who with go-between and these horrible markets, it is expensive to make goods of the

people and those who do not have a fifth income from these plunders, for many years, you cannot eat your favorite food with your family in these restaurants at all, therefore, the market is making problems, making rancor, revenge and so on , Use these spaces to create triangle “Congestion in Courts, hospitals, Increasing inflation and unemployment” I called the triangle a ill luck triangle(refer to my articles about this matter) and according to this marketing models of the kind of outrageous capitalism, western consultants and marketers to eastern countries and conferences , these models are taught or induced and pocketed a lot of money so , in like battle field , an illusion or a slogan not except Society market or white market, see to Ablow triangles:(Fugger 1):

(Figure 1) شکل یک



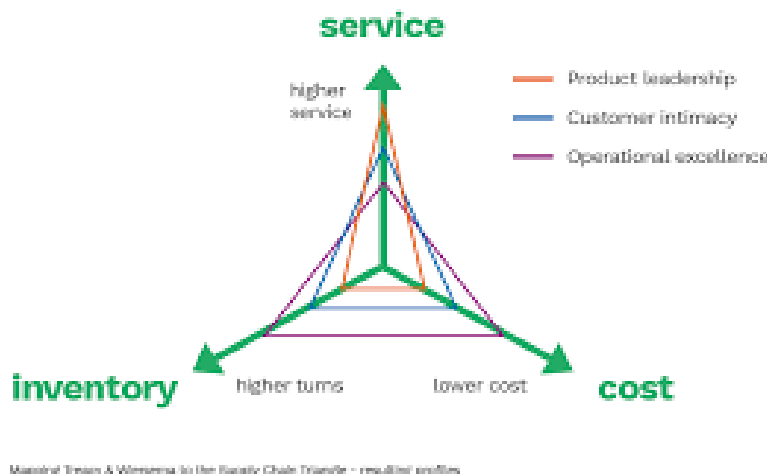
مثلث(آموزش ، تحقیق ونوآوری " کلمات زیبنده ای است ، اما چه کسی وبا نیتی وقصدی ؟، با چه محتوایی و... به آموزش این مثلث می پردازد ، آیا برای رقیب کُشی است ، مثل شیر وپلنگ که بفکر توسعه قلمروی خود دربیابان وحش هستند ، ماکیاولی عمل میکند وبه موضوعاتی مثل رحم وانصاف وانسانیت را کاری ندارند حتی به بهینه پاراتو هم (که از نظر من باطل است) توجه ای ندارند ، لذا در عصری زیست میکنیم که حرف های زیبا می زنند(حرف حق میزنند ولی مراد باطل دارند!)، مانکن های هم مشتریان را خیره میکنند ولی در نهران این کلمات زیبا ، حيله ها ودست آویز های فراوانی نهفته است وان موقع این واقعیت را درمی یابی که چنان کلاه گشادی سرت گذاشته اند که روبرویت را نیز نمی بینی ! ، مثلث زیر که معنی ومفهوم سخن مرا بهتر نمایان می کند(شکل 2)، وارد محتوا وتکنیک میشود ، مثلث" خدمات برتر ، موجودی کالا، هزینه " است ، یعنی از یک طرف تولید انبوه (Mass production) است ،شرکت تعاونی نیست ، متعلق به یک لرد است، یک کارتل تشکیل داده است وبا تولید انبوه ، قیمت شکنی میکند وتولید کننده خرده پا قدرت مقابله با او را ندارد ، حالا یک ضلع این مثلث بالاترین خدمات(Highest Services) است بهر طریقی که میسور باشد کاری به حرام وحلال ندارد تا برسد به اینکه دیگران هم حقی دارند ، ضلع دیگرش موجودی (Inventory) که باید بالاترین گردش (Higher turnover) را داشته باشد وضلع سوم آن بایدپائین ترین هزینه (Lowest cost) را داشته باشد ، من که دانش بازار دارم ویک استراتژیست کهنه کار هستم ، در مثلث رهبری تولید (Product Leadership)- مثلث قرمز ، اگر شیطان به چلد من رسوخ کند ، بهترین مشاور برای این آدم بد جنس وچپاول گر هستم ، یک

طرح میدهم از انبار کمپانی بزرگ به انبارهای خانه های مردم (from big company's warehouse to people, home-stores)، بقیه اش را تا تکمیل چپاول گری ، شیطان بزرگ بمن درس میدهد ، فقط باید دین ، وجدان وحتی عقل سلیم را کنار بگذارم که کمک کنم به چپاول گری سرمایه داری مسلط جهانی، رنگ مثلث آبی زیر به عنوان مشتری (Customer Intricacy) است که مربوط به نژاد های گوناگون است و اضلاع آن چیست؟ در متن رساله آمده است و مثلث بنفش به عنوان برتری عملیاتی (Operational excellence) است که اضلاع آن در متن رساله آمده است و بهمین ترتیب به صدها مثلث سلطه (Triangle Sovereignty) در منابع و مراجع آنها آشنا شدم و آنها را با قواعد دانش مفید که حق و حقوق شهروندی را به حقیقت رعایت کند و از نصیحت گوئی (که نیم کردار نیست – سعدی) و شعار دادن های بیهوده پرهیز میکند ، در این رساله آمده است و عواقب سرمایه داری غرب را با براهین کافی مورد تدقیق و تعمیق قرار گرفته و آینده شوم آنها بخاطر ایجاد فاصله های درآمدی و 70 در صد فقر جهانی (که 50 میلیون نفر گرسنه آن در آمریکا هستند) بعنوان نتایج این ظلم عظیم مسطور شده است (وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ – آیه 54 ، سوره آل عمران) .

It is suitable the triangle” training, research and innovation” But who is the intentional aim? , by what contents? And so on, will pay by what teaching? Is it for rivalry? Such as lion and leopard, who think of developing their realm in wildlife? Machiavelli acts and they do not do things like mercy and sincerity, even the optimal Paratoo (which, in my opinion, is null and void) is not relevant, so we live in an age that speech beautiful (Letters are right but they are falsehood!), Mannequins are also staring the customers, but in hidden beautiful speeches, it is latent many trick and Hands on hand and at that time he realized that you have a wide hat that you cannot see! The second triangle show us better concept (figure 2), gets enter content and techniques, triangle is "superior service, inventory, cost", it means mass production on the one hand, not a cooperative company owned by a lord, it has formed a cartel and mass production, Breaking the price and the petty producer does not have the power to deal with him, now the side of this triangle is the highest service, the other side has the highest turnover and third side by Lowest cost!, I have who I am market knowledge, I am an old strategist, In the triangle leading the red market, if Satan penetrates into my inner , I am the best consulting for these plundering men , I'm giving a plan as” from big company's warehouse to people, home-stores” The rest of it to complete the plunder, the satas teach me! , I just have to leave religion, conscience, and even common sense, which I help to global overrunning capitalism, the color triangle blue depends to customer intricacy that is relevant to verities origins and what is it? It has come in the Theses content, And purple triangle is as operational excellence Its sides have come in the Theses content and so I know to hundreds of trivialities of domination triangles Sovereignty in many references and I adapted them by UKRT and has come in this Thesis and the consequences of Western capitalism I have set With enough proof in deeply and I remembered their bad luck future in income gap and 70% poverty in the world (50 million people are hungry in the United States)

As a result of this great tyranny (And the disbelievers planned, but Allah planned. And Allah is the best of planners. Verse 54, Sura al-Emeran).

(Figure 2) شکل دو



https://en.wikipedia.org/wiki/Knowledge_triangle

مثلث های مدل های بازاریابی ، اقتصاد ، سیاست و غیره سرمایه داری غرب این گونه ساختارهای غیر عادلانه را با سرعتی بیش از روند سرعتی اتومبیل ها ، قطارها و هواپیما ها ، گسترش و توسعه یافته و همین طور که در متن اصلی رساله در یکی از اکادمی های معتبر ارائه خواهد شد (انشاء الله تعالی) ، دچار مصائب روزافزونی شده که امروز در جهان آشکار شده است و در این آشوب خود ساخته ، جریان تکوینی ربطی به کشوری ، یا شخص خاصی ندارد ، با اعمال کشورها و جوامع بشری سروکار دارد (**برای تبرئه خود بدنبال نشان دادن مقصر خیالی نباشید!**) که همین هم عذر بدتر از گناه است و سرمایه داری دیگر قادر نخواهند بود به رفع فقر کمک موثری بکنند ، بیماری ها را کاهش داده و یا فاصله درآمدی مردم را برای برابری قدرت خرید (Purchasing power parity -PPP) عادلانه و حقوق معیشتی (livelihood Right) اصلاح نمایند ، برای اینکه نظم حقیقی که از این جریان آشوب ایجاد شده ، مثل سونامی عمل میکند و با نظام اعتباری و یا نسبی قدرت های مدعی در جهان ، ارزیابی انطباقی (Conformity Assessment) ندارد و خود مسیرهای عدالت گستری را به نفع فقیران و بینوایان تنظیم میکند و شما قادر نیستید مدل ها و الگوریتم های طراحی کنید که امور خودتان را با این جریان توفنده (The crashing current) منطبق کنید و این موضوع به بیداری خاصی نیاز دارد که این مولف ، شاهد وقوع چنین بیداری در جامعه مرفه از قبیل کارتل ها (Cartels) ، تراستها (Trusts) بورژواها (Bourgeois) نیستم

The triangles of marketing, economy, policy and other in capitalism is increased so fast in the world more than speed of rail, air plan and satellite and Has suffered an increasing passion that has become apparent today in the world, and in this chaos

self-made, the genesis currents have nothing to do with a country or a particular person, dealing of many activities from countries and many bodies (**Do not imagine your perpetrator to justify your acquittal!**) same excuse is worse than sin and capitalism will not be able to make an effective contribution to poverty alleviation, reduced illness and change the income gap of the people for Purchasing power parity –PPP, Right livelihood and else, for the true order created by this turbulent flow, it works like a tsunami and does not have an adaptive evaluation by the system of credit or relative power in the world and It sets out the paths of justice for the benefit of the poverty and the poor, You cannot design any model and algorithm for salving of these challenges in the crashing currents and this will require a special awakening that this author I do not witness the occurrence of such an awakening Cartels, Trusts and Bourgeois are in the world.

redmarkets.com/what-is-a-red-market

Red Markets: (noun) any economic system or economy that trades primarily in human flesh or human beings. Buying and selling human bodies is...

[https://en.wikipedia.org/wiki/Red Marke](https://en.wikipedia.org/wiki/Red_Marke)

[The Rise of the Red Market – Foreign Policy](#)

<https://foreignpolicy.com/2011/05/30/the-rise-of-the-red-market/>

May 30, 2011 – Argument. The Rise of the Red Market. How the best intentions of the medical community accidentally created an international organ-trafficking...

من میخوامم در این رساله ثابت کنم ، که قرمزی گیتی در حال حاضر منحصر به قرمزی و خونین بودن بازار های فعلی نیست و طبق مثلث (علیت تراکمی ، حقیقی بودن دیتا ، لزوم مفسر خبره) ، کلیه فرضیه های اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی ، فناوری و غیره که از مدل های غیر یقینی (Uncertain models) تبعیت میکند ، از حیز انتفاع (it is not fit for fit) ساقط شده و حتی بسیاری از ساختارهای به ظاهر مقوم سیاست های حکمرانی را از اثر انداخته است ، نظیر تفکیک قوا (Separation of powers) که با هم پوشانی های نهانی و آشکار در نظر و عمل ، از خواصی که منتسکیو برشمرده است ، منتفی گشته و برای اصلاح امور فوق و مداوای درد ها و مصائب موجود جهان ، کارآمدی موثر خود را از دست داده است (موضوع عدول عملی و واقعی از تفکیک قوا در رساله جداگانه ای در حال انجام است – مولف) و این موضوع منحصر بیک کشور ، حزبی خاص ، قومی یا مذهبی بخصوص نمی باشد ، بستگی به دامنه

رها شدگی ، بی عدالتی ، درآمدهای نامشروع ، خود بسندگی و نظایر اینها است که آنقدر شیوع و وسعت پیدا کرده که جزء با جریانهای فراتر انقلابی و با تقدیر های غیر مترقبه و یا غیر عادی قابل علاج نیست که هر کدام در جای خودش ، باعث تعجب ، شگفتی و تحیر ملل شده و میشود و نوع بیداری امروزه هم که عده ای از اندیشمندان و محققین جهان را مشغول کرده و قلم فرسائی میکنند ، مثال های یقینی از وقوع چنین حوادثی است ، دنبال مقصر صوری و انتزاع ذهنی و یا خود را به حاشیه زدن (Don't go around the bush) نیاندازید ، این بازی ها که در سیاست متداول شده است بیشتر حيله است تا اینکه نام تدبیر (policy) به آن اطلاق شود.

I want to prove this treatise that's redness is not only about red market in this present time, and according to triangle” accumulative causality, the truth of the data, the need for an expert interpreter “all Hypothesis about economy, policy, society, technology and so on, those it follows from Uncertain models it is not fit for fit at all and even From the effect many proof structures in government in the world like “Separation of powers” That hidden overlapping together in theory into practice(TIP) , of the properties listed by Montesquieu to cease to exist and for the correction of the above affairs and for the pain of the present and the world , Has lost its effective efficiency(The issue of the practical and practical disadvantage of separation of powers , In a separate dissertation is underway - the author), and this subject is not unique into country , party , Ethnic or religious specially, depending on the extent of the abandonment, Injustice, Illegal Income, It's Self-esteem of these things, Which has become so prevalent that except with transcendental revolutions , accidental events or unusual cannot be cured that Each in its place, It surprises, surprises and loses nations and the kind of awakening that is today, thinking of intellectuals and researchers busy in the world , it is the certain examples about this matter ,so, do not look for the blame and subjectivist and don't go around the bush, these games, which are commonly used in politics, are more tricky, as long as the name of the term is policy to it.

گردونه زمین (carousel Earth) در حال حاضر با مصائب و آسیب های خاصی درگیر شده است که در طول تاریخ زیست بشری ، هیچگاه دوچار چنین مصائب دردناکی با این حجم و وسعت نبوده است ، جمعیتی را که کره زمین بر گزده خود حمل میکند، تاکنون با این مقیاس وجود نداشته است ، تعداد کل انسان هایی که تاکنون بر روی زمین زیست کرده اند ، ۸۰ میلیارد نفر برآورد شده است، که حدود ده درصد آن ، هم اکنون در کره زمین زیست میکنند، جمعیت مردم در سال 1000 میلادی حدود 310 میلیون نفر بوده است(ویکی پدیا آزاد) که با رشد 22 درصد در چین ، 17 درصد در هند ، 4.6 درصد در آمریکا و... و کمترین آن یعنی 1.2 درصد در ایران به چنین حجمی رسیده است ، اگر قرار باشد ، سنجش

ومقیاسی برای خیر و شرّ (کهن ترین واژگان اعتقادی در روی زمین در اقوام مختلف) ابداع شود ، سنگینی گنهکاران تبه کار در پهنه زمین در قیاس با سنگینی جسمانی 80 میلیارد انسان تا کنون به مثابه کوه هیمالیا در مقابل ارزن است ، در موضوع خیر و شرّ که با مثلث "حق ، باطل ، مبارزه " همواره هم جوشی داشته است ، غیر از ادیان معتبر و جهان شمول جهان که از خیر و شرّ سخن رانده و رسولانی برای تمیز این دو امر مهم مامور شده اند و یا فیلسوفانی که در پی کشف حقیقت بوده و در این رهگذر تحقیق ، به ضرورت شناسی پرداخته و مثلث " حق ، ضرورت ، ایجاب " را بنا نهادند و از طرف غرب متهم به فیلسوفان ایده ایده آلیست (idealist) شدند ، علم و دانش بشری که اکنون دایر مدار سیاست گذاری ها، اقتصاد ، مدیریت و فناوری و سایر حوزه های نظری و عملی میباشد ، مسکوت بوده و کاری به خیر و شرّ امور ندارند و این اصل اساسی را کنار گذاشتند.

The carousel earth has involved by especial susceptibility now that throughout human history, there has never been such painful misfortunes in this volume and scope, the crowd that the planet carries on its pollen, So far, this scale has not existed, the total number of people who have ever lived on Earth, 80 billion people estimated, about 10% of it is now living on Earth, the number of people have lived in year 1000 A.D. were 310 million people (wiki podia free), Which is up 22 percent in China, 17% in India, 4.6 percent in the US,..... The lowest is 1.2 percent in Iran, it is arrived to this population (near 8 B), if it is supposed, get Measure for good and evil (ancientness belief words inside the earth in different tribes), the heinous gunmen in the earth, so far, as the Himalayan Mountain is against millet, compared to the physical weight of 80 billion people, In the case of a with a good and evil triangle "right, false, fight" they are always had fusion, other than the authentic religions and the world of the world or philosophers who sought to discover the truth, The triangle established the "right, necessity, affirmation" they were accused by philosophers of the idealistic idea of the West!, the human sciences are now the mainstream of policy making, economy, management and technology and other scopes of (T & S) are silent and There is no good thing and they do not care about this, and they abandoned this fundamental principle.

با ایجاد مکتب فرانکفورت (Frankfurt School) و ایده پوزیتیویسم (The idea of positivism) که طرفداری سرمایه داری پیشرفته و اقتصادگرایی (economism) و اثبات گرایی (positivism) سرلوحه فعالیت های اعضای آن شده است و افرادی نظیر کارل پوپر (Karl Popper) و رودلف کارناب (Rudolph Karnab) که هستی جهان را در قالبهای حسی-ابطالی (Sensory-falsehood) و تحدید حدود (Delimitation) به حبس کشیدند ، بطوریکه کارناب در فصل دوم کتاب خود بنام فلسفه علم (Philosophy of Science) به صراحت میگوید " هستی شناسی و چرایی (Ontology and why) " را کنار بگذارید ، ما با فکت های فیزیکی

(physical facts) سروکار داریم و واقعیت (reality) را بجای حقیقت و صدق (Truth) معنا میکند (مراجعه به تفاوت حقیقت و واقعیت در انتهای ای مقدمه – مولف) و به هر گونه مبانی و منطق و دست آورد های فلسفی و علمی بشر از سقراط تا کنون ، لگد زده است و این ذخیره تاریخی را به کنار گذاشته است و ساحت علم و دانش را از سطح استعلائی خود به عوام پرستی بسیطی کشانده و کفایت علمی را در حد محسوسات بسنده نموده است و ریاضیات را که از علوم مجرد است ، با آمارهای چنین بازارهای قرمز و احتمالات و طاس انداختن (Dice) از کفایت قطعی فروانداخته است و چه پول های گزافی بصورت دلار از مردم شرق گرفته اند و توقع اخذ حق توحش را هم داشتند! ، مولف میگوید: "حالا بکشید از این بساطت که راه انداختید و این آشوب را با بهای جان تحمّل کنید، و از آب خونین نیل در عصر فرعونى خود بنوشید" ، مثلث " هامان ، فرعون ، قارون " در تورات و قرآن ذکر شده است .

By creating of Frankfurt School and the idea of positivism that advocate of capitalism, economism and positivism that it is activities have been headed of them And people like that Karl Popper and Rudolph Karnab are the world's imprisoned like falsehood-Sensory and Delimitation, as the Craneab says in his book "Philosophy of Science "explicitly:" leave aside ontology and why, We handle by physical facts" he means reality instead truth(References to the difference between the truth and the truth. End of this Introduction – Author) and he kicked to any basics and rationale, achievements of human,s sciences and philosophies from Socrates so far and it has left the historical reserve and the scope of his knowledge from his transcendental level has led to widespread popularism and the sufficiency of science is sufficiently sensible and Maths that incorporeal of science, with the statistics of such red markets and probabilities and dice, it has fallen viciously, what's the enormity money take from the Eastern people and they also had the right to take savagery right ! Author says:" Now, pull it out so much and stop this chaos at the expense of life and drink from the blood of Neal in your Pharaonic era", The triangle "Haman, Pharaoh, Qaroon" is mentioned in Quran and Mosaic Law.

<https://rasekhoon.net/article/show/1294207/مسأله-ي-هامان-در-قرآن>

ژاکوب وینر (Jacob Weiner) میگوید: " آنگاه که بتوانید اندازه گیری کنید و در قالب عدد بیان کنید ، معرفت شما باز هم **ناکافی** است و رضایت بخش نیست " فصل ششم از کتاب روش در علوم اجتماعی از آندرو سایر (Andrew Sayer) ، معرفت موضوع به مثلث " علیت تراکمی ، حقیقی بودن آمار، مفسر حقیقی " منوط میشود ، چون در عالم مجردات ، که با نسبیت و اعتبارت ذهنی و بازی ریاضیات رابطه ای ندارد و از استقلال برخوردار است ، شما باید به زبان علت و معلول آشنا باشید و نظام های محدود و بسته و دیوار کشیده شما ، نه در نظریه کفایت میکند و نه در تجربه به شما معرفت می بخشد و هرگونه الگوریتم سازی با مجردات نظیر ریاضی ، همان پیش فرض هائی است که در نتیجه ملاحظه میکنید که قصد آنرا داشتید ، مثل یک مشاور بازاریابی ، یا آینده نگر ، یا

طبیعی که جراح است ، برای کسب پول ، از آمار ، اعداد ، وفروضی استفاده میکند که مشتری را قانع کرده و یک بازار پررونق ، یک آینده نوید بخش ، و یک دست طلائی را گراف سازی نموده و نمایش دهد ، ریاضی و مهارت های اعتباری و شهرت افراد این قصد را منعکس میکند وحقه وحق کشی ، لباس صدق را رونمایی میکند ، چند صباحی میگذرد وکذب آن آشکار میشود که کاراز کار گذشته است نه بازار پر رونقی بوده ، نه آینده نوید بخشی بوده و نه دست طلائی درکار بوده است ، این گونه مجردات ، آدم محدود العقل ومحدود المعرفت را رسوا میکند ، چون همه اینها با مثلث " تکلیف ، حقوق ، صدق" کار نکردند ودر کار مسئولیت خود صداقت نداشتند ، فقط دکان داری کردند ونقدینگی متعلق به مردم را چپاول کرده وبه دلار تبدیل کرده اند.

Jacob Weiner said:" once you can measure it and express the number in the form, your knowledge is still **inadequate and unfair** "the sixth chapter in book of society method from Andrew Sayer, The knowledge of the subject is to triangle" compact causality, true statistics, true interpreter "because in the world of singles, which does not relate to the relativity of subjective and mathematical mathematics and it has independence, you Shoud know whit cause and effect literature, and your limited systems , not enough in theory and it does not tell you in the experience and any algorithms with abbreviations like math, the same assumptions that you see as a result which you intend to do,you did not work with the "**duties, rights, truth**" triangle" at all, and They were not honest in their responsibility, Just shopping , liquidity has plundered from people and have changed to dollars.

در متن این رساله اقوال زیادی از دانشمندان ، محققین وکاشفان به حق آورده شده واین فریختگان خبره در شرق وغرب ، مدافع راستین در رد اثبات گرایی (positivism) و پایمال کردن حقوق انسانی وطبیعی انسان وکره زمین میباشند ، در رساله خرچنگ (lobster) از این مولف آمده است که چگونه برای بدست آوردن ثروت بهر شکل ورویه ، حتی داروهای سرطان زا درست کرده ویا سهواً داروهائی تولید میکند که مشتریان وفادار (Loyal customers) را برای بیمارستان ها ودستگاه قضاوت تشکیل دهند.

In the text of this treatise has a lot promises from scholars, researchers and discovers in truly and these cursed scribes in the East and west are the true defender is in rejection of positivism and trampled the right of people, nature and earth, In the crab treatise, from this author comes, how to get wealth in a better way, they even make carcinogens and or inadvertently produces drugs that created Loyal customers for hospitals and courts.

The truth behind the 'foods that cause cancer' headlines – Which? ew's <https://t.co/GdxRiNHAFf> Yakov Koltovskoy (@KoltovskoyYakov) [June 30, 2018](https://t.co/GdxRiNHAFf)-

<https://af.sputniknews.com/.../201807082470826>-کدام-دارو-ها-ایجاد-

در دو مقاله سوغات غرب (West Souvenirs) از این مولف (www.elmefofid.com) موارد زیادی از این دست آمده است ، که یکی از آنها سوء استفاده از مهندسی ژنتیک (Genetic Engineering) است ، کدو تنبل یک کیلوئی را تبدیل کردند به کدوتنبل 850 کیلوئی ، شاید برای مسابقه ورکورد شکنی در بازار های مگاره

وحیرت مردم از این جنّه بزرگ که با جرثقیل جابجا میشود ، یک تفریح تلقی شود ولی خوردن آنرا نمی تواند تجویز کرد ، همین طور گاوی شیر ده ای را که سه تنی و بیشتر از این دانش تولید میکنند ، که بجای 50 لیتر شیر ، 150 لیتر شیر بدهد و گوشت بدنش سه برابر و بیشتر شود و سایر تراریختگی هائی که در کشاورزی و صنایع مربوطه متداول شده است که زندگی طبیعی انسان ها تهدید جدی میکند و به طبیعت لطمه میزند ، این گونه آب در شیر کردن و این میوه ها و هندوانه های گنده تولید کردن ، از طریق جریان های تکوینی ، به سیل ، سونامی ، نابود شدن باغات و غیره تبدیل میشود که در سال های اخیر روبه افزایش گذاشته است ، کسی نمی تواند با حق کشی و انسان کشی و طبیعت کشی از چنگال عدل الهی فرار کند (داستان های اینگونه عدل گستری در قرآن و ادیان الهی آمده است ، وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ - آیه 54 ، سوره آل عمران).

In the two articles of West Souvenirs from this author (www.elmemofid.com) there are a lot of things to do; one of them is Abuse of genetic engineering.....

تکنولوژی با تمام طمطراق خودش که خیل نوآوران و نوپایان (Start-ups) را بدنبال خود میکشاند با نوع استفاده و زیاده خواهی و کسب منافع به هر طریق ممکن ، قسمت زیادی از لایه اوزن (ozone layer) را پاره کرده و از خاصیت بازدارندگی پرتوهای فوق بنفش (rays of Fra-violet) در مانده است و بدهکاری بیش از 70 تریلیون دلار کشوری صنعتی بدهکار ، امکان قبول هزینه ترمیم آنرا نمی دهد و پیمان آب و هوایی پاریس در پرسه زدن بسر میبرد ، ولی خورشید به کار ذاتی و موثر خود مشغول است و از تابش خود به زمین دریغی ندارد ، نحوه استفاده مربوط به ابداعات است که خداوند متعال با حکم مقام خلیفه الهی ، انسان را برای تسخیر و استفاده بهینه از این منابع و سایر منابع سرشار خدادادی تکلیف کرده است و اگر در استفاده از این منابع تخطی صورت گیرد ، تقصیر خورشید نیست ، لذا تابش این خورشید ، کره زمین را گرم کرده ، یخ اقطاب را ذوب کرده و آب های ذوب شده سواحل کشور های درحاشیه اقیانوس را از آن خودش میکند (بدون جنگ و خون ریزی!) و بخارات متصاعد شده از پهنه وسیع اقیانوس ها و تغییراتی که بموجب علیت تراکمی (Cumulative causation) منجر به تغییر اکوسیستم ها و آب و هوایی زمین شده که در گزارشات متعددی مورد تاکید قرار گرفته که به دلایل مختلف، جهان آمادگی کافی برای مقابله با این تغییرات به ویژه مسئله گرم شدن زمین را ندارد، جریان مقدر را به پیش میبرد، آیا هنوز فرصت هایی باقی مانده است!؟

Technology with all its grandiloquence that draws innovators and startup for themselves, with type of use and excitement and benefits in any way possible, a large part of the ozone layer was torn and the deterrent is helpless rays of Fra-violet ,and more than 70 trillion dollars' worth of dept. countries, it is not possible to accept the cost of repairing it, The weather Paris agreement is roaming, but the sun is busy with its intrinsic and effective work and it does not hurt his radiation, how about suing of sun depends to innovations that Allah Almighty with the decree of the Khalifa Allah which has given it to human can use from these resources and other sources of God-given wealth optimally ,

من در این رساله و سایر رسالاتی که در دست تهیه دارم ، با کمک مدیریت قواعد دانش مفید (UKRM) به اصلاح ، ریزش ، رویش و ابداع مثلث های دانش مفید پرداختم که برای آموزش در مراکز علمی ، رشته های تحصیلی دانش مفید و کارکرد های فراوان اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی ضروری است ، مقدرات بر اساس علیت تراکمی (Caustic causality) ، مثلث " تکوینی ، تشریحی و ابداعی " عمل میکنند ، تصادفی در کار نیست ، سرنوشت های محتوم را رقم می زنند ، برای اینکه جهان هستی از کلان تا خرد با هوشمندی تام و کامل (perfectly) بکار خود مشغول است (رساله هوشمندی عالم از این مولف) ، هر محصولی بر حسب سنجیت بین علت و معلول به ذات خود رجعت میکند و در نهایت از عدل و تعادل هستی داستان راستان خلق میکند ، این ها قوانین هستی هستند ، نه اراجیفی (False rumour) که مکتب اثبات گرائی بنا نهاده است که از بیخ و بن غلط اندر غلط است و پنجره آن برای هر کس قابل گشایش نیست .

I am writing in this treatise and other references that I have in mind, by helping of UKRM, I pay attention to reform, down flow, grow and invention many triangles of useful knowledge, which is necessary for teaching in universities as faculty of Education about UKRM and lot of functional activities in social, economic, politic and culral courses, destinies on causal causality as triangle "genesis, religious, innovation "will be done, is no accident at work, the probable time made/figured out my fate/destiny ,because the universe is full of intelligence, from macro to wisdom(Treatise on the wisdom of the universe from this author),.....

ما با قوانین ثبت و مستمر حاکی از حق و حقیقت روبرو هستیم (درضمیمه این مقدمه آمده است) ، و این با واقعیت (Reality) ، هر محصولی یک واقعیت شرّ و یا خیر است که تصدیق (Acknowledgment) شود و سنجیت ذاتی خود را به نفع بشر و طبیعت به محصول منتقل کند ، این ها قانون ، قاعده و مقررات است که به آگوریتیم ها ، مدل ها و رویه ها در می آید و مثلث های حقیقی از این شالوده پاک و سرشت حق ، خلق میشود ، ما در این رساله میگوئیم ، که روح انسان که نفخه ای (whiff) از روح الهی است و بقای دائمی دارد ، درک خاصی از حق و حقیقت دارد و کذب شناس است و برای همین است ، هر کس می داند که چکاره است؟ (Everyone knows that it is who having occupation?) با هر لباسی که ظاهر شود در نزد حکیم و عارف شناخته شده است (چنانچه تولستوی گفت: آنکه اول پیش ما می آید به لباسش ارزیابی میکنیم و وقتی میرود ، به سخنانش- مولف) .

مخالفت افراد با یکدیگر ، بمعنی مخالفت با اصل و اساس و قوانین حق و حقیقت نیست ، این امری است مجرد که با جرثومه فساد میل اشتراک ، اتصال و ازدواج ندارد ، به همان چکاره بودن آنها مربوط است ، اگر شما این قاعده را یاد بگیرید ، تا آخر عمر تضمین میشوید و گر نه از مشتریان وفادار دستگاه قضائی ، بیمارستان ها خواهید شد، این درسی است که باید از کودکی به فرزندان آموخت ، به پدر و مادرها آموخت

وبه معلمین ذریبب آموخت ، دانش مفید گوهر نابی است که حکمت را به شما می آموزد ، که نه ظلم کنی و با ظالم هم دست شوی و نه ظلم ببینی ، مثلثی که برای آموزش میسازی ، مثلثی از حق و حقیقت است ، برای همین است که عصر ما بیداری حق و حقیقت است ، به گردن X ، Y و Z نیندازند که بعداً در دادگاه معلوم میشود که چکاره هستند! ، دچار بیمارستان میشوند و ایست قلبی میگیرند و هکذا ، این مثلث ها از زمان سقراط تا کنون ترسیم شده است و بنا به تعریف علم تصدیق پیدا کرده است.

فقر 70 در صد مردم جهان ربطی به قضا و قدر ندارد ، با حکمرانی ناعادلانه ارتباط دارد که میداند چکاره است ، مثلث ساز است ، با کسینوس ، سینوس ، تانژانت و کوتانژانت ، به خورد ملت میدهد ، بیچاره ریاضی و مثلثات بچه روزی افتاده است ، همانطور که دانش هسته ای (Nuclear knowledge) ، توسط اوپنهایمر آمریکائی (American Julius Robert Oppenheimer) از انیشتن دزدیده شد و در آمریکا به دو بمب هستی بزرگ و کوچک برای نابودی دوشهر هیروشیما وکانازاکی ژاپن بکار رفت که هنوز زخم ناشی از حمله اتمی پایان نیافته است ، انیشتن با افسوس تمام گفت : کاش من یک کفاش بودم – مولف ، اینست مرز انسانیت وحشی گری ، وحشی های مدرنیسم ، انسان کشی میکنند و نژاد سرخ ، زرد و سیاه را (حتی سفیدرا ، میکشند و صهیونیسم جهانی با قانون تلمود (Talmudism law) هر گونه حق بردگی ، تجاوزات ناموسی ، سرزمینی ، و قتل و غارت را برای خودش مجاز کرده است .

قرن 20 و 21 و بالاخص روزگار ما ، که شاهد یمن ، فلسطین ، سوریه ، ونزوئلا ، سودان ، فرانسه ، انگلستان و غیره هستیم و به تدریج به این لیست مقدر اضافه خواهد شد ! از این مثلث ها بدبختی گرفته است ، آمریکا داعش را با همین تجزیه و تحلیل های خلق میکند و چون به حق و حقیقت فهم ندارد و جزء حماقا (foolishness) است ، تمام پل های پشت سرش را تخریب میکند و حتی فرصت فرار و پیدا کردن پناگاهی نیست ، بدبخت افراد کوتاه فهمی و ظالمی مثل صدام و قذافی که پناهگاه هم نیافتند ، توی اولین لوله و مجرای فاضلابی که در جوار کاخ اشان بوده است پناه بردند و مشاهده کنندگان ، آنها لو (betray) دادند ، کارناب که هیچ چیز از این معارف را نمی فهمد ، سخنرانی میکند و به دماغش باد (Nose breeze) می افکند و میگوید " این چراها را رها کنید ، این گونه هستی شناسی بدرد ما نمی خورد- مولف) ، آنچه فیلسوفان حقیقت خواه آنرا ضروری دانستند ، وسالها مثلث "سلب ، ایجاب و حقوق" را خالق کردند ، چون از سوی جمهور توحش فهم نشد ، نتیجه اش همین است که مشاهده میکنید ، شب دراز است ، صبح که طلوع کند ، بقیه اش را میبینی! .

از مراتب حسّی ، قوانین مکانیک و فیزیک که ابزاری برای تحقق حقوق ملت ها است ، اخلاق منبعث نمی شود ، اخلاق حرفه ای ، اخلاق علمی ، اخلاق مثلثی ، اخلاق نرم افزاری و سخت افزاری ، یک حرف بی ربط است ، املاهای غلط است ، در دانش مفید محلی جایگاهی ندارد ، اندیشمند باید از توحش آزاد گردد ، درگیر جبر و تفویض بی مورد نشود ، طبیعت و مذهب را تیکه تیکه نکند و به تفکیک مذاهب نپردازد ، خیلی از آیات الهی ، انسان را مورد خطاب میدهد (ایها الانسان ، ایهاالانسان و... ندا میدهد ...) حق را محترم میشمارد و خداوند متعال خود را صاحب حق و ضامن برقراری آن اعلام فرموده است " آگاه باشید که انسان جایز الخطایا است ، فراموشکار است ، اهل غفلت است ، ولی راه رهائی از این دخمه های مرگ بار وجود دارد ، هی نگوئید شمارا در سه دقیقه میلیونر میکنیم ، چند ساعته میلیاردر

میکنیم ، چند هفته ای تری یونر میکنیم واز این موشک ها در شبکه های اجتماعی پرتاب میکنید، شما که مشتری لاینفک و وفادار هستید ، حالا میخواهید شریک جرم درست کنید ویا عده ای ساده لوح را قربانی کنید نگاه کنید به مردم دنیا چگونه بیدار شده وفوج فوج راهی میدان حق علیه باطل هستند، عبرت بگیرید (اذا جاء نصرالله بالفتح ورايت الانسان يدخلون في دين الله افواجا ...) بعد نگوئید ما خواب بودیم بیدار شوید که عصر بیداری وفتح القریب ووصول کلید طلایی نزدیک است .

Top 10 Differences between Truth and Reality

Published on May 28, 2015 •

[Jack Nargundkar](#)

Following

Senior B2B/B2G Marketing & Communications Executive

[39 articles](#)

Like34 •

Comment14 •

Share •

The interchangeable use of “truth” for “reality” and vice versa is pretty widespread. In fact, way back on November 27, 2010 I took to twitter to highlight what I believed was a key distinction:

TMT: There is a difference between reality and truth—the former can sometimes have shades of gray, the latter is always black and white. #in

A lack of knowledge of the truth does not belie its existence or confer it a nebulous status. In their personal and professional lives, ordinary people often conflate reality with truth. However, those pursuing a spiritual path and seeking the “eternal truth” are exempt from my discussion, since they tend to live in a reality that mere mortals will find hard to comprehend.

“*Keeping it real*,” is a phrase commonly used, especially among younger generations, who seem to favor “real” over “truth.” It’s almost like they want to

avoid the truth, the whole truth and nothing but the truth... so they'd rather just keep it real without help from any higher power? But I kid the kids, only to make a point. There are indeed subtle differences between reality and truth; inasmuch that the former exists but only the latter can confirm its existence in any given circumstance.

The great scientist, Albert Einstein, had observed:

Reality is merely an illusion, albeit a very persistent one.

There could be no more glaring example of the increasing dichotomy between reality and the truth, then in the proliferation of “reality shows” on television in the past decade. These shows conflate their heavily edited versions of reality with the truth and seemingly present it as such. It's almost like these shows have gauged that their audience wittingly accepts their version of reality as the truth.

So where does reality end and the truth begin? Or, more accurately, how do we uncover the truth that is embedded in reality? Clearly the truth is always omnipresent in reality, but on occasion it just takes time to surface. It's why the father of our nation, George Washington, had intoned:

Truth will ultimately prevail where there are pains taken to bring it to light.

Knowing how illusive reality can be and how challenging the search for the truth, even in a non-spiritual context, can become, let me attempt to shed some light on this dichotomy with my very own, “Top 10 Differences between Truth and Reality:”

1. Truth is absolute, Reality is cognitive.

Senator Daniel Patrick Moynihan had famously said:

Everyone is entitled to his own opinion, but not to his own facts.

If we simply substitute “reality” for opinion and “truth” for facts, his words of wisdom are equally valid in our dichotomy. While different people may perceive the reality of a given situation differently, there is always one, and only one, version of the truth for that situation.

2. Truth hurts Reality bites.

The ecosystem that surrounds the truth in any given situation is the reality of that situation as perceived by its individual participants. In a business situation, the truth might be as stark as the sudden cancelation of a critical multimillion-dollar order. However, reality bites various functional groups in the company's ecosystem in different ways, even as the truth hurts the company's revenue stream.

3. Truth is singular, Reality is manifold.

In our company example above, the reality of the lost order is perceived differently by the finance guy worried about cash flow, by the purchasing guy dealing with inventory, by the manufacturing guy saddled with an idle assembly line, by the sales guy not making his numbers, etc.

4. Truth is objective, Reality is subjective.

The truth can be pleasant or it can be bitter. Regardless of outcome, the truth is determinative – it has finality to it. It is what it is... unlike reality, which can be interpreted in different ways by the various people it affects. The CEO of the business, in our earlier example, might see the sudden cancelation of a big order as a sign to undertake a major overhaul of his company's operations.

5. Truth is permanent, Reality is ephemeral.

Again, going back to the company that suffered a sudden cancelation of a big order, once the CEO acts on the truth, the subjective reality of the company's various functional groups begins to fade.

6. Truth emancipates, Reality constrains.

There isn't any more complicated example of the truth setting one free than by coming clean when a spouse has had an extramarital affair... always more easily said than done. The reality of that entire situation can constrain one or more participants from voluntarily divulging the truth, which would be liberating yet very difficult to fulfill.

7. Truth redeems, Reality informs.

The best that reality, viewed from anyone’s perspective in any given situation, can do is inform or misinform the participants within the ecosystem. Only the truth can offer redemption, whether it is the spouse getting out of a bad marriage or the CEO steering a company out of a bad situation.

8. Truth comes from the heart, Reality follows from the head.

Very often the truth remains suppressed because analytical and logical thinking suggests that all affected players within the ecosystem would be better off, at least in the near term, if it were so. Both, the cheating spouse and the worried CEO know that their respective realities indicate that they can be kicked down the road. But, within their hearts they know the truth – postponing the inevitable sometimes creates a snowball effect. The reality is you have to know when to listen to your heart.

9. Truth requires courage, Reality reflects convenience.

The cheating spouse and the worried CEO listening to their hearts might seem ironic, but facing the truth requires courage. More often than not, the convenient thing to do is the cowardly thing to do.

10. Truth is always real, Reality is not always true.

At the end of the day, the truth will prevail – it is the ultimate and only reality. There is no second-guessing the truth like we can do with reality. What is real to you maybe unreal to somebody else? In fact, as Einstein said, “reality is merely an illusion...” until it reveals the truth! The finality of truth can be summed up in this quotation from *The Bhagavad Gita*: What is not real never was and never will be. What is real always was and cannot be destroyed

In the name of God

حدیث کلمه یا معرفت کلام (قصه رقص کلمات)

Insight of the “word” or insight of the “speech” (tales dance of words)

این داستان با آهنگی که تعیین میکنم اجراء شود (دریک تناثر مناسب)

This novel be executed with a song that I defined it (into a suitable opera)

Writer and executor: Mahmoud Saneipour



Mahmoud Saneipour

(I asked “word” what you are?) از "کلمه" سوال کردم چی هستی ؟

“Satan “It replied me: “کلمه" جواب داد: شیطان (

با اعتراض گفتم : نه نه ، تو چیز دیگری هستی ، راستش را بگو

I said protestingly: “no, no, you are another thing, tell it honestly”

“کلمه” اول خیلی خندید وبعد خیلی گریه کرد وبعد اشک هایش پاک کرد وگفت : من معرفت هستم ، بصیرت هستم ، یاد گیری هستم ، آموزش هستم ، دانش هستم ، شناخت هستم ، خرد هستم، معنا هستم ، حقیقت هستم ونظیر اینها

“Word” laughed and laughed firstly and then cried and cried, next, it wiped its tears and said: “I am insight, learned, educated, knowledge, being acquainted, wisdom, meaning, truth and like these”

گفتم : راست میگی ، راست میگی وبعد زدم زیر گریه ، خیلی گریه کردم وگفتم عجب دنیائی داریم!!

“You are right, you are right” I said, and then I cried and cried, “What a world we have”! I said

لحظه ای نگذشت که دیدم ، یکی دیگر در کنار کلمه قرار گرفت ، با چهره ای زیبا مثل کلمه ، هردو زیبا و جذاب بودند.

An instant later, I saw, another was at it side, a pretty face like “word” both of them were beautiful and attractively.

از شادی فریاد کشیدم ، وه چه عالی ! واز دیدن این دو موجود زیبا سیر نمی شدم!

I shouted for joy, “oh how great!” And I was not enough for seeing these two beautiful creatures!

از مهمان تازه وارد سوال کردم ، تو کی هستی ؟جواب داد من " کلام " هستم

Who are you? , I ask from guest newcomer, it replied me: “I am speech “

سوال کردم یعنی چه؟

“What does it mean?” I ask

گفت: من سخن هستم ، جدال هستم ، بحث هستم ، مذاکره هستم ، طعنه هستم ، مهربانی هستم ، محبت هستم ، حقیقت هستم وبی شمار صفات دیگر

“I am conversation, speaking, talking, discussion, argument, negotiation, taunting, kindness, affection, truth and countless other traits” it said

گفتم : خیلی عجیب هستی !، چقدر متضاد هستی !،از تو عجیب تر در دنیا سراغ ندارم !

You are so strange! How are conflicting!” I don’t know of clue stranger than you in the world!” I said

بمن گفت: " با من بحث نکن ، جدل نکن ، من یک آهنگ بیشتر نیستم ، جوهر وجود من از کلمات است ، وآوای من از خنجره ودهان این آدم ها که از فطرتشان حرف میزنند"

"Don’t discuss with me, don’t argue with me, I am not a symphony more, the essence of my existence is from “words” and my a song is from dagger and mouth of people, the singer , also the song either " , it said me

گفتم : "آها ، بلی ، دارم کم کم میفهم ، یعنی این آدم هستند که تو را خلق میکنند؟"

“Aha, yes, I began to understand, this means that these people are creating you?” I said

گفت: “ موضوع دقیق تری وجود دارد خوب توجه کن، تونمیتوانی هر کسی را مقصر کنی !!!”

“Good Note, there is a more accurate, you cannot anyone has guilt!!!” it said

گفتم: "گیج شدم ، بگذار بفهمم"

"I got confused, let me understand" I said

کلمه به سخن آمد وگفت : من ریشه کلام هستم وکلام از من قوام میگیرد

Word spoke: "I am the root of speech and speech takes consistency from me"

کلمه ادامه داد: من حرف های بی معنی را با هم جمع کرده معنا دار میکنم ، اسم هر چیز از من ساخته میشود ، مصدر فعل از من ساخته میشود ، کلمه بندی از ناحیه من است ، لغت نامه از من ساخته میشود ، کودک اول از من آغاز میکند ، تمام اشیاء جهان هستی از من نشانه دارد ، بدون من تلفظی ندارند! ولی همه اینها حقیقت هستند وگناهی ندارند ، شاید روزی شاهد شوند!!

Word continued: "I am gathering all letters those no having meaning together and then get meaning them, it's gonna be built noun of everything, the infinitive of verb built from me, wording is from me, dictionary is built from me, a child starts from me firstly, all objects of the universe having signs from me, no, they don't have articulation without me!, but all of them are truth and not guilty , perhaps Once they will be witnesses "

با خودم زمزمه کردم : خوشبختی وبد بختی !!!

I whispered to myself: "weal and woe "!!!

دراین موقع ، کلام شروع به سخن کرد وگفت: "من خیلی عجیب تر از کلمه هستم ، هزاران کلمه را در استخدام دارم که آنها برای من میرقصند ومن با آهنگ هایم که بی شمارند ، سرود سر میدهم ، من اقیانوس بی کرانی هستم که قطرات زیبای آن کلمات است "

At this time, speech began to speak out and said:" I am so much stranger than I word, I have thousands words in the employ of my own those are dancing for me and I sing a song by myself cadences that numerous, I am endless ocean that their drops beautiful are words"

فریاد زدم: " غواصش کیست ؟ غواصش کیست؟ که بتواند چنین اقیانوسی را غواصی کند!!!"

I Shouted: "Who is driver? Who is driver? That such an ocean dive!!!"

هردوی آنها خندیدند.

Both of them laughed.

در این موقع "کلمه" به حرف آمد و گفت: "کلام راست میگوید، او رئیس من است، اگر او نباشد، من هم رقص نخواهم کرد، و ادامه داد او رئیس من است، رئیس من است، اگر کسی "کلام حق" را فهمید معنا حق را از مفردات من درک میکند و آنگاه است که "کلمه" حامل بالاترین ارزش ها مثل نام خدا، نام پیامبران، اسماء فرشتگان، دوستی ها، وحدت ها و هرچه خوبی برای انسانهاست که خمیر مایه همه خوبیها یک جا جمع است و آن حق، حقیقت و عدالت است، پس غواص این اقیانوس، انسان خدائی است، که گوهرهای رحمت خدا را صید میکند"

At this time, word spoke and said: "speech is right; it is my boss, if it does not, I will not dance" and it continued: "it is my boss, my boss, if anyone understands "word of right" he will understand that meaning of right from my simple substances and then is that "word" carrier highest values like: God (Allah), the name of prophets, the name of angels, friendships, Unities, or anything good for humans That leaven all are into a good place that is the right, Truth and Justice, then the ocean diver who is that of God's mercy is catching the gems"

کلام گفت: "من هستم که به کلمات مفهوم میبخشم، کلمه بخودی خود معنا میشود و با آغاز گری من، این معناها بهم پیوند میخورند و مفاهیم درست میشوند و هرکس از کلام یا سخن من باندازه فهم خودش، صاحب معنا و مفهوم میشود، من سرود کلمه ام، من بزم آرای کلمات هستم، اول در زبان کودک کلمه مستقر میشود و بعد آهنگ را از من می آموزد، اسم، فعل، صفت و هرگونه قیدی، از کلمه لباس خلعت می پوشد ولی این من هستم که مایه یک سخنور هستم، او است که با سخن پردازی، سخن آرائی، سخن چینی، سخن آفرینی، سخن دانی و سخنرانی، ساز مرا کوک میکند و با آهنگ الهی و یا شیطانی، تخم دوستی و یا دشمنی، سعادت یا شقاوت در قلب انسان ها میکارد".

Speech said: "I'm that give concept to worlds, word per se that is and by started me, these meanings connected together and create concepts are and everybody be owner meaning and concepts from my speech enough to understand himself, I am word's hymn, I am Party ideas of words, word sets based on child's tongue then he/she learned song from me, noun, verb, adjective and any adverbial things wears clothes the robe of honour, but I am the ferment for a speaker, he is that prepares my musical voices divine or Satan with oratory, eloquence, tale-bearing, creator of speech, mastery of words and lecture Sows in the hearts of men the seed of friendship or foe, Prosperity or adversity".

من گفتم: "این یک آوازه است، آدم ها برای معروف شدن سخن آرائی میکنند!"

"This is fame, people eloquence for Popularity!" I said

کلمه گفت: "اشکالی ندارد ، بلاخره یک سخنران مشهور میشود ، انسان های خوب هم مشهور میشوند و آدم های بد هم مشهور میشوند ، اگر یک نفر بخواهد با کلام خود از من (کلمات) برای تفرقه ، آتش افروزی ، قتل و غارت ، مطامع دنیوی و بدیهای دنیا استفاده کند ، از دست من کاری ساخته نیست ، من تصویری ندارم ، همه چیز دست گوینده است ، ولی وقتی گوینده برای سعادت بشر سخنرانی میکند ، من در حال شادی و خنده هستم و وقتی کسی با نیت ناپاک و قصد چپاول گری و ستم کاری سخن میگوید ، من در حال غم و گریه هستم و باید بگویم که همه اشیاء اطراف من ، همین حالت را دارند ولی فقط انسانهای حقیقت طلب و حق گو هستند که این رازها را مشاهده میکنند و بقیه کور هستند اگر چه با چشمان خیره به سخنگو نگاه می کنند"

"No problem, a lecturer becomes famous finally, good men or bad men become famous both of them, if one wants to use from any word for concision, incendiary, killing, worldly interests and the evils of the world, and I cannot do anything, I do not blame, everything speaker's hand but when Voiceover speaks for human well-being, I'm still joy and laughter and when a man speak with foul intentions and going to work tyranny ravaged, I'm still sad cry and I must say that all objects around me have the same , but only humans are actually asking the right interview those can see the mysteries and the rest are blind although they watch with staring eyes to speaker" word said

با شادی گفتم: " شما دو تا جوهر موجودات زنده و با هوش هستید ، اینک کلمات پیش چشم من میرقصند ، ولی من هنوز نگاشتی روشن از انسان شیطانی و خدائی در ذهن ندارم"

"You two natures are living beings with intelligence, behold now, words are dancing before my eyes, but I still do not mind a clear mapping the divine man and evil man "I said whit happiness

در این موقع "کلام" به سخن آمد و گفت: "من هم چاره ای ندارم ، این گوینده است که بار گناهان و یا ثواب ها را با خود حمل میکند ، هر کس می تواند با توانا شدن در اقسام تلفظ و قدرت لفاظی مرا بخودش مقید کند ، نه "کلمه" فی ذاته مسئولیت دارد و نه "کلام" ما برای این مقصد خلق شدیم که آدم ها آزمون شوند ، هیچ موجودی مثل ما دوتا آزدنیست ، ولی اگر ما نبودیم ، حق و باطل از نهان خانه قلوب خوب یا بد انسان ها از طریق خنجره ، دهان و زبان آشکار نمیشد ، من به گوینده قدرت میدهم که چگونه با الفاظ که از کلمات انتخاب میکند ، نیت و مقاصد خود را به گوش مردم برساند ، ما دوتا فی نفسه حقیقت هستیم ، و با انسان که او نیز یک حقیقت دیگر است ، می آمیزیم ، و در راهی که پیامبران از طریق جریان حقیقی که خداوند متعال معین کرده است ، نقش بازی کنیم ، البته همه موجودات در این راه هوشمند هستند و نقش آنها نیز اینگونه است و جزء انسان ها ، اختیاری جز آنچه خداوند برای آنها مقدر کرده است ، ندارند بنابراین انسان ها برای هر سخنی و رفتاری آزاد نیستند و در مورد هر سخن و رفتاری مسئولیت دارد ،

در استفاده از همه موجودات زمین و آسمان با احکامی که مقرر شده است ، مسئولیت دارد ، ولی ما شاهد هستیم بر زبان ، نگاه ، رفتار و همه کارهای او در مواقعی که خداوند متعال بما ماموریت خاص میدهد!! "

At this time, speech spoke out and saying:” I have no choice; the speaker is who it carries Sins and rewards himself, anyone can I bind himself be able in diversity pronunciations and by power as rhetorician, not “word” has responsibility and not “speech “we created for the way of human’s test, no creature free like us two, but if we were not discovered right and false from the secret home of good or bad human’s hearts on the way of dagger, mouth and tongue, I will give power to the speaker selects how to terms from words to listen to its people its purposes and objectives, we us two are truth it-self get mixed by human who it is another truth too and play many roles into true current it determined from exalted God(Allah) , off course , all existences are intelligent in this way and their role it is also and apart from humans not have authority except what Allah has ordained for them , therefore , Human beings are not free to every speech and behavioral actions and in regarding to all speeches and behavioral actions has responsible , but we are witness on tongue , looking, behaviors and it’s all actions when exalted God (Allah) gives us a specific mission!!!”

سوال کردم : این ماموریت خاص چیست؟

I ask: “what is this specific mission?”

کلام پاسخ داد: “همه اشیاء عالم وجود در زمین و آسمانها از جانب خداوند متعال ماموریت دارند ، که بر حسب فرمان او ، عمل کنند ، کلام گفت : ماموریت این است که حق را به قلب های سلیم وارد کنم ، اگر چه دشمن انسان دارد از من استفاده میکند ، اینرا باید بدانی که تنها ابزار رساندن کلام از راه خنجره و دهان و زبان نیست ، برای همین است که معنی کلمه بمعنی چیزی نهان هست که از پنهان خبر میدهد (تا مرد سخن نگفته باشد ، عیب و هنرش نهفته باشد) ، حروف کلمه میسازند و الفاظ (یا مترادف آن که درای معنی های دیگری هستند مثل نوع تلفظ ؛ اصطلاح و یا حالت بیان مطلب) با کمک کلمات بیاری کلام می آید و سخن گو و یا هر ابزار و دستگاه دیگر ، آن را منتشر میکند ، بنابراین کل هستی از کلمات ساخته شده است که معارف پنهان این هستی را نشان میدهد و فراوانی و چگالی آن معرف اندازه علم و معرفت است و میتواند به صور گوناگون از طریق اشیاء مختلف به راهنمایی و آزمون انسان بپردازد و ما با درون انسانها ، از طریق مختلف در ارتباط هستیم ، ما بنا به ماموریت از جانب ذات هستی که بنیانگذار این هستی است ، ایفای نقش میکنیم ، تا کسانی از نعمت بینائی ، شنوائی و غیره محروم هستند از کار این جریان هستی باز نمانند.“

Speech replied:” All objects of the universe their mission from God in the sky and in the earth, which according to his command act” next speech said:” Mission is that we bring righteous matter into peaceable hearts of people, although he be an enemy of human, It, you should know that isn’t the only means of getting the word via dagger, mouth and tongue and That’s why the meaning of “word” is cache the hidden announced (for example: until the man is not saying , be hidden his art and defect) , letters makes word and a synonym is a word or expression which means the same as another word or expression , pronunciations help to speech and speaker or any tools and another system get publishes it, therefore, all existences have made from “words” these are shows that hidden educations and Frequency or density of these educations are represents the size of the science and knowledge those are huge guidenesses for humankind and we are related by inner of humans via diversity ways , we have mission about this matter of the universe who is founder of the universe , those who deprived from gift of sight, hearing and so on , till they do not stop of caravan related to process of current –being”

در حالی که قلبم به شدت می‌تپید، گفتم :”پس سکوت چی ، مسئله سکوت بعضی آدم ها چیست؟”

While my heart is extremely palpitated, I said:” so what’s silence, what some people’s silence of anyone?”

هر دوی آنها آه سردی کشیدند!! وکلام گفت: ”هر آدم احمقی خیلی حرف میزند ولی بیهوده و آدم های خردمند ، برای جمع خرد مندان زبان به سخن می گشایند وگرنه ساکت هستند وبا هوشیاری شاهد وناظر اوضاع جهان میباشند، چون سخنان او را فقط اهل حقیقت می فهمند ، تا روزی که پروانه های عاشق در گراگرد شمع های سوزان و اشک ریزان حق و حقیقت، جان به جان آفرین تسلیم میکنند و سونامی و آشوب قیام میکنند تا نابودکنند آنچه نباید باشد ، این سکوت وحشتناک میشکند و خردمند آغاز به سخن خواهد کرد ، چرا که آتشی زیر خاکستر نخواهد ماند و هر آرامش مستانه قبل از طوفان است و معلوم میشود که ظلم و تعدی در جهان امروز پایدار نخواهد بود”

Both of which were cold Ah! And speech said:” any foolish man very talks but vain and wise men get open tongue to speech for total wises and they be otherwise silent but they are seeing and witness the world’s situations whit alertness, because its speech understand the true people only until the day that butterflies lowers are surrendering their lives to its creator around burning and tearful candles for right and truthfulness then their rebellion as tsunami and attraction’s chaos will destroy what shouldn’t be ,so, this terrible silence breaks and wise begun will

“speak, because a fire under the ashes will be ever and the calm before the storm is intoxicated and will be defined that not sustainable injustice and encroachment in the world at present age”

من گفتم: “ سخن حق برای من روشن نشد ، بیشتر راهنمایی کن ”

“The truth speech was not clear to me, more guides”

کلمه گفت: “سراسر این نظام هستی از کلمات است که بخش کوچکی از کلمات آفریده خداوند متعال است و هرگاه دانش انسان افزایش یابد ، فراوانی این کلمات بیشتر میشود ، ولی ما بدنبال آن هستیم که جوهر و حقیقت کلمه با قلبت ، با عقلت ، با جانت ، با ضمیر باطنت ، با حُسن نیت ات ، با قصد خیرت و نظایر اینها پیوند بخورد ، آنگاه از کلمه و کلام درک هائی میکنی که خیر خواه مردم جهان شوی ، این همان سخن حق است و شک نکن که حق و حقیقت را بر میتابد و مفید بحال همه مردم است و ما در پرتوی این حقیقت ماموریت داریم و با حقیقت می توانیم انسان ها به مقام اعلاء برسانیم و یا آنها را رسوای خاص و عام کنیم ، اینست قدرت شنوائی ، بینائی و سخنوری جهان هستی و جهان رها شده و عبث نیست!”

“Over of this universe are as words, that is a small portion of words those it has created whit exalted Allah (God) and if a man of knowledge increases so, will increase density of words, but we're looking for that be grafted these truth speech whit your heart, with mind, spirit, your Good willing, With the your blessing intention and such these, then understood by you from words and speeches be benevolent people of the world labeling , this that truth speech identically no doubt be right to the truth shines and be usefulness unto all people and We have in light of the fact mission and with truth can we the position of humanity’s honorable position and or expose them to become especial and publicly disgraced , this is the power of hearing, dramatics translates vision of the universe and the world not unbound and vain !!!”

من سوال کردم: “ به چی تعلق دارید؟”

I ask them:” What belongs to you?”

کلام گفت: “ما همه به جریان حقیقی هستی در کائنات و به جریان تکوینی در طبیعتی که برایمان تدارک شده است تعلق داریم و همه ما با زبان تکوینی سخن میگوئیم ، ما میتوانیم معرفت خود را به آنجا برسانیم که در مقابل هیچ شیئی ، حالت بی عقلی ، کوری ، کوری و گنگی نداشته باشیم ، سراسر جهان صدای حق است ولی کدام گوش میشنود ، برای آدم کور دل ، دنیا پرست ، ظالم و خود پسند ، جهان صامت است ، چرا که او محرم راز نیست ، در نظام تکوینی و نظام احسن ، حتی کلمه شیطان نیز از کلمات مقدس

است وخیر وبرکت دارد ، تا "شیطان" نباشد ووسوسه نکند ، جهاد اکبری نخواهد بود ، شهیدی بوجود نیاید وکمال وسعدتی نصیب انسان نمی شود ، همانطور که "رنج " و"کار وتلاش " وهزاران کلمات وکلام دیگر ، مایه سعادت بشر هستند تا تو چه باشی ، خدائی یا شیطانی !، این انتخاب ما است واین آزمون ما"

“We all belong to truth current of life in the universe and bringing into existence’s current that nature has been provided to us and we all speak whit bringing into existence’s language, we can raise our knowledge because that we don’t have State of lack of wisdom, blindness, deafness and dumbness In contrast, no object , the sound is right around the world but what the ear hears, so, the world is silent for the blind heart, worldly-minded, ruthless self-friendly no doubt , Because he isn’t confidant, in The best system of bringing into existence even the word of Satan is sacred and there have benefit and blessing, till "Satan" is not be and it doesn’t satanic temptation so, the greater jihad will not be at all, any martre isn’t expressed and giving of prosperity is not human perfection never, as "suffering" and "work effort” and thousands of words and other speeches be Cause of human happiness, till what you be? Divinity or satanic! This is our choice and this is our test!!!” speech said.